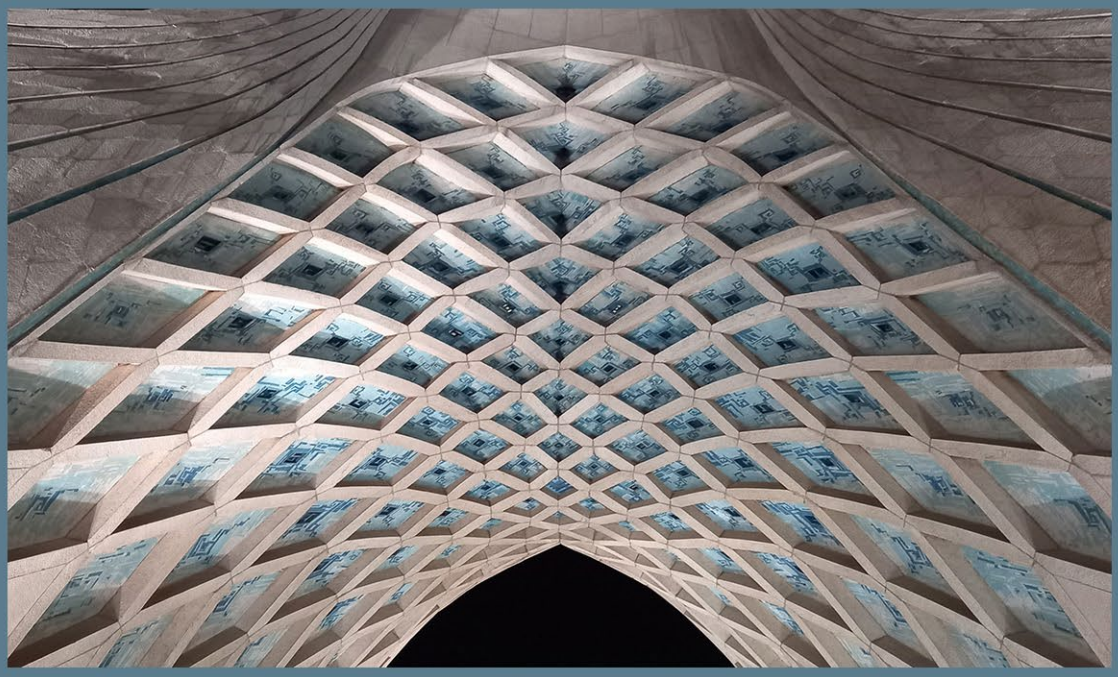
مطالعات معماری ایران ۲۹

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال پانزدهم، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۵



◆ تاریخ‌شناسی معماری مسجد جامع آمل و نسبت آن با شهر در سده‌های نخست هجری
● ذات‌الله نیک‌زاد

◆ بازتعریف محدودهٔ قیصریه در بازار کاشان و شکل‌گیری یک مرکز جدید شهری در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه
● یاسمن صفیان/ حمیدرضا جیحانی/ سید محمود سادات

◆ سنجش ارزش‌های قلعه‌رودخان به‌عنوان میراث جهانی از منظر منشور ایکوفورت و دستورالعمل اجرایی کنوانسیون میراث جهانی
● ابوذر جانعلی‌پور/ پیروز حناچی/ محمدحسن طالبیان

◆ بهبود حد نهایی پایداری جانبی سازهٔ یک دهانهٔ متشکل از طاق‌آهنگ بر روی پایه در صفحهٔ قوس
● فرزین ایزدپناه

◆ ارزیابی عملکرد پوستهٔ مشبک آجری در کنترل تابش و نور در اقلیم گرم و نیمه‌خشک دزفول
● کلثوم کامکار/ کورش مؤمنی/ اکبر موسی ئی جو

◆ از باغ به میدان: ظهور نرده و آشکار شدن فضای سلطنتی در شهر عصر ناصری
● کاوه رشیدزاده/ گلنار حکمت

◆ بررسی هندسی جلوه‌های گره‌چینی در نمونه‌های تاریخی ایران به روش الگوریتمی
● مهدی عزیزی همدانی/ مجتبی ثابت‌فرد

◆ ابعاد و ویژگی‌های مفهومی استدلال حدسی در عمل طراحی
● علی قریشوندی ابراکی/ علی علائی/ کیوان جورابچی/ سعید نوروزیان ملکی

◆ نقش پیکره‌بندی فضا در ایجاد اجتماع‌پذیری مراکز تجاری شهر اصفهان با مقیاس اجتماعی
● مریم گروهی/ نرگس دهقان/ منصوره کیان‌ارثی/ سمیه رفیعی

◆ ارزیابی پراگماتیک: فرصتی برای اصلاح سیاست‌ها و رویه‌های مداخله در محدوده‌های هدف (مورد انضمامی: سندملی بازآفرینی)
● مرتضی‌هادی جابری‌مقدم/ شیما سقندلی

◆ از رویدادسازی تا شخصیت‌پردازی موزه‌یادمان‌ها
● فائزه تفرشی/ منوچهر معظمی/ نیکلاس وایز

◆ اثر حذف درختان کهن‌سال در معماری معابر ایلام بر تغییر آسایش حرارتی عابران براساس دینامیک سیالات محاسباتی CFD
● کارن فتاحی/ نسرین سیاوش

مطالعات معماری ایران

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال پانزدهم، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۵
صاحب امتیاز: دانشگاه کاشان
مدیر مسئول: دکتر علی عمرانی‌پور
سردبیر: دکتر غلامحسین معماریان
مدیر داخلی: دکتر بابک عالمی

هیئت تحریریه (به‌ترتیب الفبا):
دکتر عباس اکبری. دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر حمیدرضا جیحانی. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
دکتر پیروز حناچی. استاد دانشگاه تهران
دکتر شاهین حیدری. استاد دانشگاه تهران
دکتر مارکوس ریتر. استاد دانشگاه وین
دکتر محمدصادق طاهر طلوع دل. دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
دکتر بابک عالمی، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر علی عبد الرئوف. استاد دانشگاه حمد بن خلیفه قطر
دکتر علی عمرانی‌پور. دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر فاطمه کاتب. استاد دانشگاه الزهرا (س)
دکتر حسین کلانتری. استاد جهاد دانشگاهی
دکتر اصغر محمد مرادی. استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر غلامحسین معماریان. استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محسن نیازی. استاد دانشگاه کاشان

درجه علمی پژوهشی دوفصلنامه مطالعات معماری ایران طی نامه شماره ۱۶۱۶۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۱ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

پروانه انتشار این نشریه به شماره ۹۰/۲۳۰۳۰ مورخ ۹۱/۹/۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

این نشریه حاصل همکاری مشترک علمی دانشگاه کاشان با دانشکده معماری دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهرا (س)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه شهید رجایی، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی و انجمن علمی انرژی ایران است.

نشریه مطالعات معماری ایران در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir) و بانک اطلاعات نشریات کشور (magiran.com) نمایه می‌شود.

تصاویر بدون استناد در هر مقاله، متعلق به نویسنده آن مقاله است.

(نسخه الکترونیکی مقاله‌های این مجله، با تصاویر رنگی در تارنمای نشریه قابل دریافت است.)

عکس روی جلد: علی عمرانی‌پور
(بنای میدان آزادی)

ویراستار ادبی فارسی: معصومه عدالت‌پور
همکار اجرایی: فائزه تفرشی

دورنگار: ۵۵۹۱۳۱۳۲-۰۳۱

نشانی دفتر نشریه: کاشان، بلوار قطب راوندی، دانشگاه کاشان، دانشکده معماری و هنر، کدپستی: ۵۳۱۵۳-۸۷۳۱۷

رایانامه: j.ir.arch.s@gmail.com
پایگاه اینترنتی: jias.kashanu.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۵۰۲۰-۲۶۷۶

فهرست

۵ **تاریخ‌شناسی معماری مسجد جامع آمل و نسبت آن با شهر در سده‌های نخست هجری**
ذات‌الله نیک‌زاد

۲۵ **بازتعریف محدودهٔ قیصریه در بازار کاشان و شکل‌گیری یک مرکز جدید شهری در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه**
یاسمن صفیان/ حمیدرضا جیحانی/ سید محمود سادات

۵۷ **سنجش ارزش‌های قلعه‌رودخان به‌عنوان میراث جهانی از منظر منشور ایکوفورت و دستورالعمل اجرایی کنوانسیون میراث جهانی**
ابوذر جانعلی‌پور/ پیروز حناچی/ محمدحسن طالبیان

۸۵ **بهبود حد نهایی پایداری جانبی سازهٔ یک دهانهٔ متشکل از طاق‌آهنگ بر روی پایه در صفحهٔ قوس**
فرزین ایزدپناه

۱۰۹ **ارزیابی عملکرد پوستهٔ مشبک آجری در کنترل تابش و نور در اقلیم گرم و نیمه‌خشک دزفول**
کلثوم کامکار/ کورش مؤمنی/ اکبر موسی ئی جو

۱۳۷ **از باغ به میدان: ظهور نرده و آشکار شدن فضای سلطنتی در شهر عصر ناصری**
کاوه رشیدزاده/ گلنار حکمت

۱۶۱ **بررسی هندسی جلوه‌های گره‌چینی در نمونه‌های تاریخی ایران به روش الگوریتمی**
مهدی عزیزی همدانی/ مجتبی ثابت‌فرد

۱۷۹ **ابعاد و ویژگی‌های مفهومی استدلال حدسی در عمل طراحی**
علی قریشوندی آبراکی/ علی علائی/ کیوان جورابچی/ سعید نوروزیان ملکی

۲۰۵ **نقش پیکره‌بندی فضا در ایجاد اجتماع‌پذیری مراکز تجاری شهر اصفهان با مقیاس اجتماعی**
مریم گروهی/ نرگس دهقان/ منصوره کیان‌ارثی/ سمیه رفیعی

۲۲۹ **ارزیابی پراگماتیک: فرصتی برای اصلاح سیاست‌ها و رویه‌های مداخله در محدوده‌های هدف (مورد انضمامی: سندملی بازآفرینی)**
مرتضی‌هادی جابری‌مقدم/ شیما سقندلی

۲۵۳ **از رویدادسازی تا شخصیت‌پردازی موزه‌یادمان‌ها**
فائزه تفرشی/ منوچهر معظمی/ نیکلاس وایز

۲۷۳ **اثر حذف درختان کهن‌سال در معماری معابر ایلام بر تغییر آسایش حرارتی عابران براساس دینامیک سیالات محاسباتی CFD**
کارن فتاحی/ نسرین سیاوش

۲۹۵ **بخش انگلیسی**

بازتعریف محدودهٔ قیصریه در بازار کاشان و شکل‌گیری یک مرکز جدید شهری در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه*

یاسمن صفیان**
حمیدرضا جیحانی***
سید محمود سادات****

علمی‌پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۵/۷

چکیده

قیصریهٔ کاشان بازاری مجلل بود که وزیر کاشان در دورهٔ شاه‌عباس اول احداث کرد. این بازار تا انتهای دورهٔ قاجاریه به‌مرور فراموش شد، اما نام قیصریه بر محدوده‌ای مهم در میان بازار کاشان باقی ماند. هدف پژوهش حاضر بررسی روند اهمیت یافتن محدودهٔ بلافصل بازار قیصریه در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه و شناخت تعریف جدیدی است که این محدوده در شهر می‌یابد. به این منظور، با راهبردی تاریخی و ازطریق جست‌وجوی شواهد در منابع دست‌اول، تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده و تطبیق یافته‌ها با یکدیگر، خصوصیات و کارکردهای فضاهای محدوده و فعالیت‌های اشخاصِ مرتبط با آن‌ها برای مشخص شدن جایگاه این فضاها در شهر بررسی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه بازار قیصریه در دورهٔ قاجاریه عظمتِ پیشین را نداشت موقعیت چهارسوی این بازار، در محل تلاقی دو شریان اصلی شهر کاشان، باعث شد محدودهٔ بلافصل آن روزبه‌روز مهم‌تر شود. در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه مدرسهٔ میان‌چال به یک مرکز مذهبی، آیینی و اجتماعی تبدیل شد که علمای معتبری از یک خانواده اداره‌اش می‌کردند. با احداث سه تیمچه، محدوده به یک مرکز مهم تجاری، به‌ویژه برای دادوستد پارچه تبدیل شد. مدرسه و تیمچه‌ها به بازار میان‌چال و بازار بزازها باز می‌شدند؛ لذا این راسته‌ها عظیم‌تر و منظم‌تر از سایرین بودند. محل اتصال این دو راسته آن‌قدر پررفت‌وآمد بود که سه کتیبه، با محتوای فرمان شاهی و احکام حکومتی، آنجا نصب شد تا در دید عموم مردم باشد. کارکرد تیمچهٔ امین‌الدوله به تجارت محدود نشد و این تیمچه در مراسم عزاداری مردم کاشان و نظم دادن به آن نقش داشت و یک مرکز آیینی نیز بود. به‌این‌ترتیب، قیصریه دیگر مجموعه‌ای نبود که یک نفر آن را آباد کرده باشد، بلکه مداخلات اشخاصی با حرفه‌ها، افکار، اهداف و تجربیات گوناگون در این محدوده برای رسیدن به اهداف خود و جایگاه این مداخلات در زندگی مردم کاشان باعث بازتعریف محدودهٔ قیصریه و شکل‌گیری یک مرکز جدید شهری در این محدوده شد.

کلیدواژه‌ها:

قیصریه، مرکز شهری، بازار کاشان، تیمچهٔ امین‌الدوله، مدرسهٔ میان‌چال.

مطالعات معماری ایران
دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۹ ـ بهار و تابستان ۱۴۰۵
صفحات ۵۶-۲۵ ۲۵

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد نویسندهٔ اول به راهنمایی نویسندهٔ دوم و مشاورهٔ نویسندهٔ سوم است که با عنوان قیصریهٔ بازار کاشان: بازتعریف محدوده و شکل‌گیری یک مرکز جدید شهری در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه، در رشتهٔ مطالعات معماری ایران در دانشکدهٔ معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است.

** کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشکدهٔ معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی
*** دانشیار، دانشکدهٔ معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، نویسنده مسئول، h_jeyhani@sbu.ac.ir
**** دانشیار، گروه تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکدهٔ امام خمینی و انقلاب اسلامی

پرسش‌های پژوهش

۱. در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه فضاهای محدودهٔ قیصریه از چه نظرهایی اهمیت داشت؟
۲. چه اشخاصی با چه دیدگاه‌هایی در این محدوده مداخله کردند؟
۳. محدودهٔ قیصریه چگونه به یک مرکز شهری تبدیل شد؟

مقدمه

در تحقیق حاضر منظور از مرکز شهری به‌طور کلی بخشی از شهر است که محل جمع شدن زیرساخت‌ها، بناهای شاخص ازنظر کارکرد و کالبد، مزایای حاصل از مداخلات اشخاص مهم و دیگر امکانات است. چنین تجمع‌هایی باعث می‌شود آن بخشِ شهر از جنبه‌هایی معین مرکزیت داشته باشد. اهمیت این امکانات و نوع مرکزیتی که ایجاد می‌کند در شهرها و زمان‌های مختلف متفاوت است؛ لذا در تحقیق حاضر این موضوعات براساس شهر کاشان در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه بررسی خواهد شد.

هدف پژوهش حاضر شناخت علل و عوامل ایجاد یک مرکز جدید شهری در بخش مرکزیِ بازار کاشان در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه و شناخت خصوصیات و کارکردهایی است که این مرکز در شهر می‌یابد. در این پژوهش با راهبردی تاریخی ازطریق بررسی اسناد، متون، شواهد مادی، تصاویر، نقشه‌ها و منابع دست‌اولِ دیگرْ اطلاعات جمع‌آوری شد. ازآنجاکه محدودهٔ قیصریه پیش از نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه نیز از جنبه‌های مختلف اهمیت داشت، در تحقیق حاضر عواملی از گذشته که در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه هنوز بر اهمیت محدوده مؤثر بود بررسی می‌شود. ابتدا با مقایسه و تطبیق شواهد با یکدیگر، موقعیتی که این محدوده در شهر کاشان داشت مشخص می‌شود و با بررسی تاریخچهٔ بازار قیصریه معلوم می‌شود که تا دورهٔ قاجاریه این بازار و محدوده تا چه اندازه اهمیت داشته است. در ادامه با تبیین، توصیف، تحلیل و تفسیر اطلاعات، تحولات محدوده در نیمهٔ اول دورهٔ قاجاریه مشخص و محل تمرکز این تحولات پیدا می‌شود، تحولات و اهمیت فضاهای محدوده در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه بررسی می‌شود و با توجه به کالبد، کارکرد و اشخاص مرتبط با این فضاها، جایگاهشان در شهر مشخص می‌شود. درنهایت با تحلیل و تبیین اهمیت و ضرورت امکاناتی که این تحولات فراهم می‌کردند، مشخص می‌شود که چگونه در این دوره محدودهٔ قیصریه ازنظر مکانی، مذهبی، تجاری، اجتماعی، سیاسی و آیینی بازتعریف می‌شود و یک مرکز جدید شهری در آن شکل می‌گیرد.

تاکنون تحقیقی دربارهٔ شکل‌گیری یک مرکز شهری در محدودهٔ قیصریهٔ بازار کاشان انجام نشده است. بیرشک در تحقیقاتش به اهمیت این قسمت از بازار به‌عنوان یک گره اصلی در شهر اشاره کرده است (بیرشک ۱۳۹۹، ۱۰۳). او چهارسوی میان‌چال را محل تقاطع محور شرقی غربی (محور بازار) و محور شمالی جنوبی شهر دانسته و تیمچه‌ها و راسته‌های این محدوده را تبلور فیزیکی این گره شهری در دورهٔ قاجاریه می‌داند (همو ۱۳۸۵، ۳۸۸). جیحانی و دیگران ضمن اشاره به این تحقیق از بیرشک، به محدودهٔ قیصریه در بازار کاشان اشاره کرده و محل آن را مشخص کرده‌اند (جیحانی و دیگران ۱۳۹۹، ۸۷) و از اهمیت دیرینهٔ گذرِ بازار تحت‌تأثیر نحوهٔ ارتباط راه‌ها و امتداد آن‌ها نوشته‌اند (همان، ۸۶). نلیا[1] در مطالعات خود اشاره کرده است که بازار کاشان، با توسعهٔ خطی خود از دروازه‌های شهر عباسی، از دوران آل بویه به بعد محور اصلی توسعهٔ شهری بوده و با مسیر سرزمینی که پایه و اساس کاشان را در محل فعلی آن تعیین می‌کرد (محور فین ـ آران) ارتباط برقرار کرده است (Neglia 2018, 104) و حتی باعث کاهش اهمیت این مسیر سرزمینی شده است (همان، ۸۱). صفیان و دیگران محل و خصوصیات بازار قیصریهٔ کاشان را مشخص کرده و تحولات آن را تا انتهای دورهٔ قاجاریه بررسی کرده‌اند (صفیان، جیحانی، و سادات ۱۴۰۴). فرهادی‌وند و جیحانی جایگاه مهم بازار و تکیهٔ پانخل در عزاداری کاشانیان و آسیب دیدن این جایگاه با احداث خیابان باباافضل را بررسی کرده و به مهم شدن جایگاه تیمچهٔ امین‌الدوله در عزاداری اشاره کرده‌اند (فرهادی‌وند و جیحانی ۱۴۰۱، ۴۱۵ـ۴۱۶). در تحقیق حاضر محورهای شرقی غربی و شمالی جنوبی و محل‌های دقیق تقاطع آن‌ها مفصل بررسی شده است. همچنین با مطالعات

تاریخی مشخص می‌شود آنچه بیرشک یک گره شهری و تبلور آن خوانده است، در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه از این هم فراتر رفته و به یک مرکز شهری تبدیل می‌شود.

۱. موقعیت بازار قیصریه در نسبت با دروازه‌ها و بازار کاشان

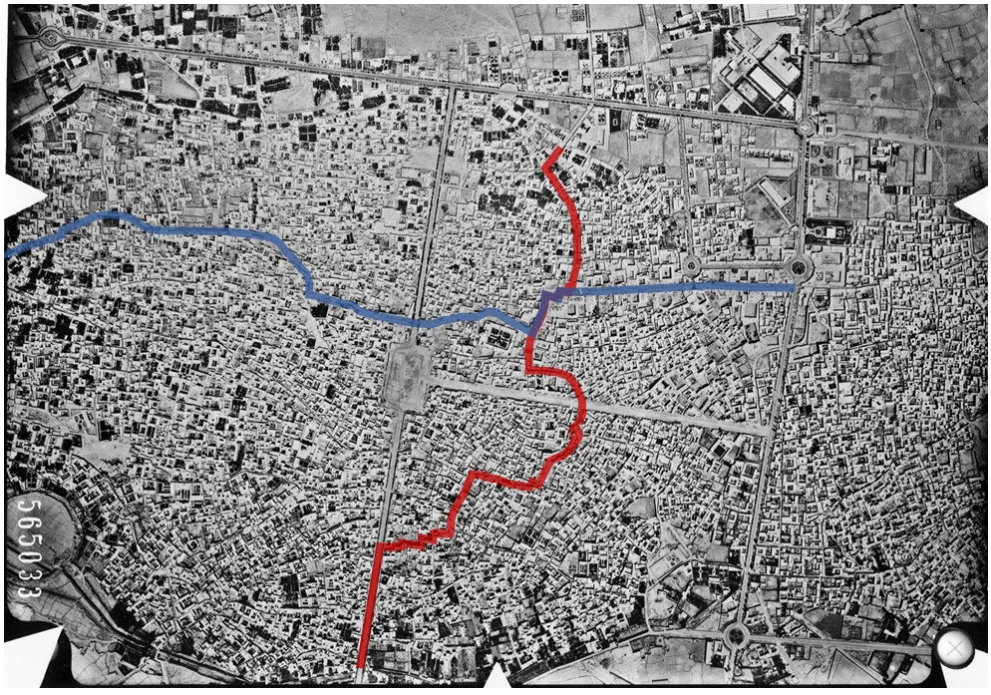
در بازار کاشان، محدوده‌ای که تقریباً میان بازار است و از انتهای راستهٔ بالابازار آغاز می‌شود، به «قیصریه» معروف است (مشکی ۱۴۰۳؛ اصفهانیان ۱۴۰۳). قیصریهٔ کاشان بازاری باشکوه بود که فردی به نام آقا خضر در سال ۱۰۱۰ق آن را احداث کرد (میر تقی‌الدین کاشانی ۱۳۹۳، ۲۱۰ـ۲۱۱). این بازار در جنوب غربی راستهٔ بالابازار قرار دارد و از چهار راسته تشکیل شده است که در یک چهارسو به هم می‌رسد (تصویر ۳). با آسیب‌های احتمالی ناشی از زلزلهٔ سال ۱۱۹۲ق و گذشت زمان، بازار قیصریهٔ آقا خضر که دیگر عظمت پیشین را نداشت فراموش شد به‌طوری‌که در منابع دورهٔ قاجاریه واژهٔ «قیصریه» دیگر برای این بازار به کار نرفت، این بازار به بازار ارسی‌دوزها معروف شد و تا انتهای دورهٔ قاجاریه فقط نامی از آن بر محدوده‌ای در بازار کاشان باقی ماند.[۲]

کاشان در دورهٔ قاجاریه هفت دروازه به نام‌های درب عطا، درب اصفهان، درب لتحر، درب فین، درب ملک‌آباد، درب حاجی‌جمال و درب دولت داشت (ضرابی ۱۳۵۶، ۱۳۲).[۳] همان‌طور که از تصویر ۱ برمی‌آید شهر کاشان دو محور



تصویر ۱: دروازه‌ها و راه‌های منتهی به آن‌ها: خطچین‌های سفیدرنگ (راه‌های منتهی به دروازه‌ها)، ۱. دروازه دولت؛ ۲. دروازهٔ حاجی‌جمال؛ ۳. دروازهٔ ملک‌آباد؛ ۴. دروازهٔ فین؛ ۵. دروازهٔ لتحر؛ ۶. دروازهٔ اصفهان؛ ۷. دروازهٔ عطا؛ ۸. محدودهٔ قیصریه
(تصویر پس‌زمینه از بیرشک ۱۳۷۴)

اصلی داشت که به چهار دروازه می‌رسید. محور اول بین دروازه دولت و دروازۀ فین و محور دوم بین دروازۀ حاجی‌جمال و دروازۀ اصفهان بود. مسیر سه دروازۀ دیگر (دروازۀ ملک‌آباد، دروازۀ لتحر و دروازۀ عطا) به شکل‌های مختلف به همین محورها می‌رسید. این دو محور در بخشی از بازار با یکدیگر هم‌پوشانی پیدا می‌کردند (تصویر ۲)[۴].



تصویر ۲: دو محور اصلی و محل تلاقی آن‌ها: خط آبی‌رنگ (محور اول)، خط قرمزرنگ (محور دوم)، خط بنفش‌رنگ (هم‌پوشانی دو محور) (تصویر پس‌زمینه از سازمان نقشه‌برداری، عکس هوایی سال ۱۳۳۵)

بازار کاشان به‌طور کامل در محور نخست قرار داشت و در محل تلاقی دو محور، بخشی از مسیر محور دوم را نیز در بر می‌گرفت. محدودۀ قیصریه در شمالِ محل هم‌پوشانی دو شریان اصلی شهر کاشان قرار داشت و چهارسوی بازار قیصریه تقاطعی مهم برای این شریان‌ها بود (تصویر ۳). به‌این‌ترتیب، طبیعی است که در دوره‌های مختلف بناهای مهمی در این محدوده جای گیرد و برخلاف دیگر بخش‌های بازار کاشان که شکلی خطی دارد در این محدوده راسته‌هایی موازی و عمودبرهم برای تأمین دسترسی مناسب ساخته شود.

قسمتی از متن وقف‌نامۀ مسجد میرعماد نشان می‌دهد که در سال ۸۷۷ق در محدودۀ قیصریه یک عصارخانه، یک سرا، مدرسۀ میان‌چال و بستانش و تعدادی از راسته‌های این قسمت از بازار وجود داشته است: «همگی نصفی شائع از عصّارخانه واقعه بمدینةالاسلام کاشان ببقعۀ ششتن بحد بستان مدرسۀ میان‌چال و بحد سرای ورثة المرتضی الاکرم مرحوم السید نظام‌الدین من الجانبین و بحد شارع و الیه المدخل و المخرج با همه توابع و لواحق و منسوبات از کافه خان و از آلات و اسباب خشبیه و حجریه و حدیدیه و غیر ذلک» (وقف املاکی جهت بنای مسجد و خانقاه در کاشان ۸۷۷ق، وقف‌نامۀ سوم، خط ۲ـ۴)[۵].

در دورۀ شاه‌عباس اول وزیر کاشان، آقا خضر نهاوندی، آثار و عماراتی ازجمله دولت‌خانه را با حمایت شاه‌عباس یا با اموال خودش در منطقۀ کاشان بنا کرد (نهاوندی ۱۹۲۴، ج. ۱: ۸). بازار قیصریه نیز از ساخته‌های اوست (میر تقی‌الدین کاشانی ۱۳۹۳، ۲۱۰ـ۲۱۱). این شواهد نشان می‌دهد که پیش از دورۀ قاجاریه بناهای مهمی در محدودۀ قیصریه قرار



تصویر ۳: بازار قیصریه در محل تلاقی دو محور اصلی: خط‌های آبی‌رنگ (محور اول)، خط‌های قرمزرنگ (محور دوم)، خط بنفش‌رنگ (هم‌پوشانی دو محور)، عرصهٔ سبزرنگ (بازار قیصریه)[۶]

داشت اما این محدوده یک مرکز شهری نبود یا دست‌کم در مقایسه با دیگر مراکز مهم شهر کاشان جایگاهی چشمگیر نداشت. بااین‌حال موقعیت بازار و محدودهٔ قیصریه در نسبت با دروازه‌ها و بازار شهر کاشان همواره اهمیت داشت به‌طوری‌که با افول بازار قیصریه نه‌تنها از اهمیت این موقعیت کاسته نشد، بلکه با پایتخت شدن تهران و افزایش اهمیت دروازهٔ حاجی‌جمال (دروازهٔ قم) اهمیت این مکان بیشتر شد.

۲. تحولات کالبدی و کارکردی محدوده در نیمهٔ اول دورهٔ قاجاریه

در این باب تحولات محدودهٔ قیصریه از زمانی که بازار کاشان با وقوع زلزله (۱۱۹۲ق) خراب شد تا حدود سال ۱۲۵۶ق که بازار قیصریه هنوز بازار مهم و باشکوهی در کاشان بود (صفیان ۱۴۰۴، ۶۷) بررسی می‌شود.

۲. ۱. راسته‌ها

در زلزلهٔ سال ۱۱۹۲ق بازار کاشان به‌شدت آسیب دید و به دستور عبدالرزاق‌خان کاشی، حاکم وقت، تا سال ۱۱۹۵ق تعمیر شد و چنان پرازدحام شد که راه رفتن در آن سخت بود (صباحی بیدگلی ۱۳۹۵، ۲۶۹ـ۲۷۱). چهارسوی بازار قیصریه و راسته‌هایی که دور آن را گرفته بودند و در سمت دروازهٔ حاجی‌جمال قرار داشتند به‌سبب موقعیتشان در اتصال دو شریان اصلی شهر و شکلی که ایجاد می‌کردند[۷]، نقش مهمی در نظام دسترسی بازار و شهر داشتند. به‌این‌ترتیب، در زمان تعمیر بازار به دستور عبدالرزاق‌خان کاشی راسته‌های مشخص‌شده در تصویر ۴ در نظام دسترسی این محدوده از بازار نقشی حیاتی داشتند و باید تعمیر شده باشند. این راسته‌ها عبارت است از مجموعه‌ای شامل بازار قیصریه و راسته‌هایی در شمال غربی آن که برای دسترسی به مسیر دروازهٔ حاجی‌جمال و مدرسهٔ میان‌چال ضروری بوده است، همراه با راسته‌هایی که این مجموعه را به مسیرهایی که به دروازه‌های فین و اصفهان می‌رسید وصل می‌کرد.



تصویر ۴: راسته‌هایی که باید تا سال ۱۱۹۵ق تعمیر شده باشد: عرصه‌های سبزرنگ (راسته‌های تعمیرشده)، ۱. چهارسوی بازار قیصریه؛ ۲. ابتدای بالابازار به طرف دروازه دولت؛ ۳. مسیر دروازهٔ حاجی‌جمال؛ ۴. به طرف مسیرهای دروازهٔ فین و دروازهٔ اصفهان؛ ۵. ورودی مدرسهٔ میان‌چال؛ ۶. ورودی کاروان‌سرای ملک

۲. ۲. مدرسهٔ میان‌چال، دکان‌ها و کاروان‌سرای ملک

ملا عبدالرسول مدنی کاشانی در زندگی‌نامهٔ خود (تألیف ۱۳۳۷ق) اطلاعات دقیقی را از تحولات مدرسهٔ میان‌چال، دکان‌های اطراف آن و مسجد تبریزی‌ها بیان کرده است. به گفتهٔ او مدرسه و مسجد میان‌چال «از بناهای قدیم هشت‌صدسالهٔ کاشان است» (مدنی کاشانی ۱۴۰۰، ۱۴۴). آقا علی، جدّ سوم ملا عبدالرسول، از علما و رؤسای صاحب مدرسه در شیراز بود؛ فرزندش ملا محمود در شیراز مردی ملا و بافضل و مرتاض و زاهد بود که در سال ۱۲۰۰ق به کاشان مهاجرت کرد؛ در آن زمان مدرسه و مسجد میان‌چال مخروبه و بایر بود (همان، ۱۴۳ـ۱۴۴).

«[ملا محمود] آستین می‌گمارد و مرمت می‌فرماید و بعضی دکاکین اطراف آن را که معلوم بود وقف بوده، مرمت می‌کند و بعضی که مدعی داشته، می‌خرد و مجدداً وقف بر مسجد و مدرسه می‌کند که امروزها عبارت است از دکان بقالی پهلوی مدرسه و علافی پهلوی آن و آهنگری پهلوی آن و دکهٔ خرده‌فروشی زاویهٔ میان‌چال محاذی مدرسه و بلورفروشی پهلوی قنادی و نصف جای تنور بیرون خبازی میان‌چال؛ اما دکهٔ طرف یمین حین دخول به مدرسه را خودم احداث نمودم و وقف بر مدرسه کردم و اما دکان خیاطی که الان نخودبریزی و مقابل در سرای ملک شهره است اول بالابازار هم خارج از این عنوان و وقف است بر جهت روشنایی و آب و مخارج آب‌انبار مدرسه. بالجمله این مسجد و مدرسه و موقوفات مرقومه را احیا کرده بدین منوال تابه‌حال به دست بنده آمده» (همان، ۱۴۴).

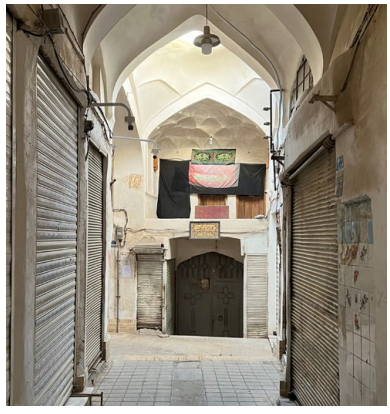
در تصویر ۷ دکهٔ سمت راست هنگام ورود به مدرسهٔ میان‌چال دیده می‌شود. همان‌طور که در تصویر ۵ مشخص است، دکان‌های سمت چپ هنگام ورود به مدرسه بزرگ‌تر بوده و برای کارکردهای اشاره‌شده مناسب‌تر است. یکی از این دکان‌ها پهلوی مدرسه است و دقیقاً دو دکان دیگر کنارش قرار دارد پس احتمالاً این دکان بقالی و دوتای دیگر علافی و آهنگری بوده است. در شرق و جنوبِ چهارسوی میان‌چال دو فضا روبه‌روی مدرسه قرار دارد که هر دو می‌توانستند

دکۀ خرده‌فروشی یادشده باشند. دکۀ مدنظر باید یکی از آن دو باشد. مقابل در سرای ملک یک راستۀ کوتاه قرار دارد که دکانی دقیقاً مقابلش باز می‌شود. این قسمت ابتدای بالابازار هم هست. فارغ از محل دقیق این دکان‌ها آنچه قطعی و برای تحقیق حاضر مهم است، این است که در آن زمان تعدادی دکان در این محدوده مرمت و وقف بر مدرسۀ میان‌چال شد.

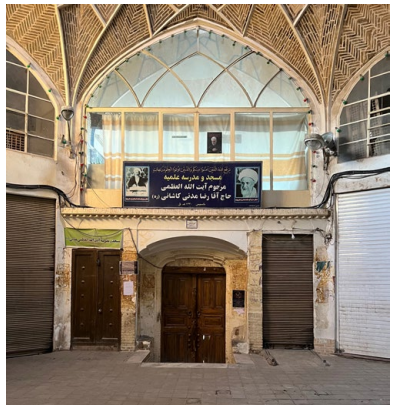


تصویر ۵: تحولات محدوده بعد از زلزلۀ ۱۱۹۲ق: عرصه‌های سبزرنگ (تعمیر یا احیاشده)، ۱. چهارسوی بازار قیصریه؛ ۲. مدرسۀ میان‌چال؛ ۳. دکۀ یمین حین دخول به مدرسه؛ ۴. دکان بقالی پهلوی مدرسه؛ ۵. علافی پهلوی بقالی؛ ۶. آهنگری پهلوی علافی؛ ۷ یا ۸. دکۀ خرده‌فروشی زاویۀ میان‌چال محاذی مدرسه؛ ۹. دکان خیاطی مقابل در سرای ملک و ابتدای بالابازار؛ ۱۰. ورودی کاروان‌سرای ملک؛ ۱۱. بازار میان‌چال؛ ۱۲. ورودی مدرسۀ میان‌چال؛ ۱۳. چهارسوی میان‌چال

در همین سال‌ها کاروان‌سرای ملک هم ساخته شد. در پروندۀ ثبت این اثر در فهرست آثار ملی تاریخ ساخت آن را سال‌های اولیه پس از زلزلۀ ۱۱۹۲ق دانسته‌اند (پروندۀ ثبت کاروان‌سرای ملک (برقی) ۱۳۸۲، ۱۳). این کاروان‌سرا دو ورودی دارد؛ ورودی اصلی آن قدیمی‌تر است و سردر، شکل و تزیین خاصی ندارد (همان‌جا). درِ این ورودی و درِ ورودی مدرسۀ میان‌چال در وضع امروزی تقریباً به یک اندازه پایین‌تر از سطح بازار است (تصاویر ۶ و ۷). این دو ورودی نسبت به ورودی دیگرِ کاروان‌سرای ملک، ورودی مسجد تبریزی‌ها و ورودی‌های تیمچه‌های این محدوده یا ساده‌ترند یا درِ کوچک‌تری دارند. با توجه به شباهت‌های این دو ورودی به هم و تفاوت‌های آن‌ها با سایر ورودی‌های محدوده نیز می‌توان احتمال داد که در بازۀ زمانی نزدیک به هم تعمیر یا ساخته شده‌اند.



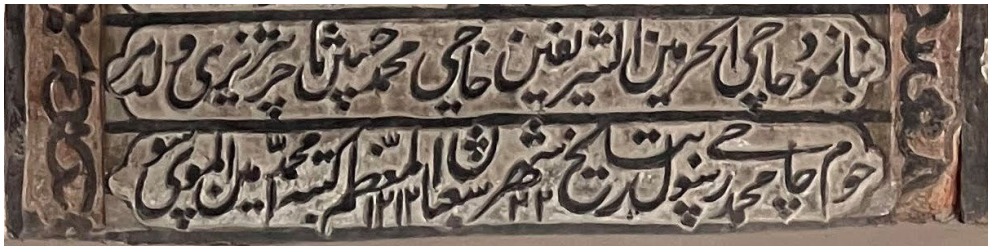
تصویر ۶: ورودی قدیمی‌تر کاروان‌سرای ملک



تصویر ۷: ورودی مدرسۀ میان‌چال

۳.۲. مسجد تبریزی‌ها و بازارچهٔ ملک

بنا بر متن کتیبهٔ سنگیِ سردر مسجد تبریزی‌ها (تصویر ۸)؛ در سال ۱۲۱۲ق حاجی محمدحسین تاجر تبریزی این مسجد را بنا کرد. ملا عبدالرسول مدنی دربارهٔ ساختن آن نوشته است: «مسجد مدرسهٔ مرقومه [میان‌چال]، خوب مسجدی است؛ به نحو خوشی ساخته شده، خیلی محکم و باروح؛ و تابستان آن خوش‌هوا است به‌واسطهٔ شبکه‌های آب‌انبار؛ [...] نقصی که دارد شبستان و زمستانی ندارد. یک‌وقتی در عهد مرحوم حاج ملا احمد نراقی که به تقریر در این مسجد نماز می‌خوانده؛ پدرزنش مرحوم حاجی محمدحسین تبریزی مسجد پهلو را برای وسعت ساخته و جزء آن کرده؛ یک ارسی فاصلهٔ مسجدین بود؛ بعد به یک جهتی امام آن مسجد برداشت و تیغه کرد» (مدنی کاشانی ۱۴۰۰، ۱۴۶ـ ۱۴۷).



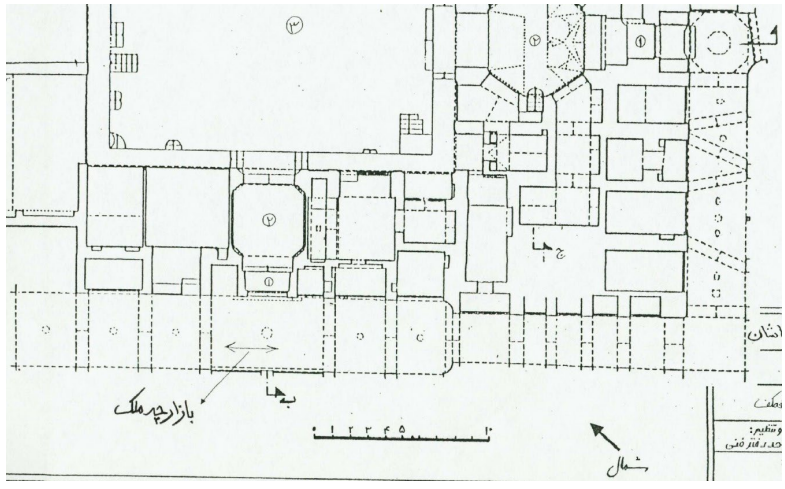
تصویر ۸: دو خط آخر کتیبهٔ سنگیِ سردر مسجد تبریزی‌ها که بالای در قرار دارد: «بنا نمود حاجی الحرمین الشریفین حاجی محمدحسین تاجر تبریزی ولد مرحوم حاجی محمدرسول بتاریخ ۲۲ شهر شعبان المعظّم ۱۲۱۲ کتبه محمدامین الموسوی»

ضرابی این بنا را مسجد و مدرسهٔ حاجی محمدحسین نامیده و آن را یکی از بناهای رفیعهٔ عالیهٔ کاشان معرفی کرده است که «حاجی محمدحسین ترک تبریزی در خلف مدرسهٔ میان‌چال با گچ و آجر کاشی در نهایت خوبی ساخته‌اند و از برای مصارف و مخارج لازمهٔ آن موقوفاتی مقرر نموده‌اند» (ضرابی ۱۳۵۶، ۴۲۵). در این مسجد به راستهٔ بازاری باز می‌شود که هم به کوچهٔ تبریزی‌ها[۸] هم به بازارچهٔ ملک مشهور است. شاید قبل از ساختن مسجد تبریزی‌ها اینجا کوچه‌ای بوده است که پس از احداث این مسجد به کوچهٔ تبریزی‌ها مشهور می‌شود[۹] و بعد از مدتی بازارچهٔ ملک اینجا ساخته می‌شود.

طبق متن پروندهٔ ثبت کاروان‌سرای ملک، آقای ملک (مالک این کاروان‌سرا) بازارچهٔ ملک را در زمانی بعد از احداث کاروان‌سرای ملک ساخته است و ورودی دیگرِ کاروان‌سرا که به بازارچهٔ ملک متصل است در زمان ساخت این بازارچه به کاروان‌سرا اضافه شده است (پروندهٔ ثبت کاروان‌سرای ملک (برقی) ۱۳۸۲، ۱۳). «تزیینات خاصی در داخل این بنا مشاهده نمی‌شود. سقف هشتی ورودی اصلی دارای رسمی‌بندی گچی است. تزیینات اصلی این کاروان‌سرا در محل سردر ورودی از بازارچهٔ ملک قرار دارد که سردری زیبا با آجرکاری به شکل‌های گوناگون ایجاد شده است» (همان، ۲۹). همان‌طور که از تصویر ۹ برمی‌آید، سردر ورودی کاروان‌سرا از بازارچهٔ ملک باید مربوط به اواخر دورهٔ قاجاریه یا اوایل پهلوی باشد. احتمالاً این سردر و تزیینات بعدها به این ورودی اضافه شده است. مقایسهٔ بازارچهٔ ملک با بازارچه‌های اطراف (تصویر ۱۰) نشان می‌دهد که به‌احتمال زیاد آقای ملک بعد از زلزله این کاروان‌سرا را بدون رسیدگی به راسته‌ها و کوچه‌های اطرافش می‌سازد. پس از مدتی که کارش در اینجا رونق می‌گیرد، بازارچه‌ای منظم می‌سازد و از کاروان‌سرا یک ورودی به آن می‌گشاید. این کاروان‌سرا به کاروان‌سرای برقی هم معروف است (همان، ۶). در منابع مختلف گاهی محل‌های گنگ و متفاوتی برای بازارچه‌های این محدوده معرفی شده است؛ اما محل بازارچهٔ ملک در منابع مختلف[۱۰] یکسان و واضح است (تصویر ۱۰). احتمالاً اینکه بانی مشخصی داشته و به نام همان بانی مشهور است و اینکه در دورهٔ قاجاریه ساخته شده و از راسته‌های نزدیکش جدیدتر است، باعث شده بهتر از بقیهٔ راسته‌ها در یاد مردم دو قرن اخیر بماند.

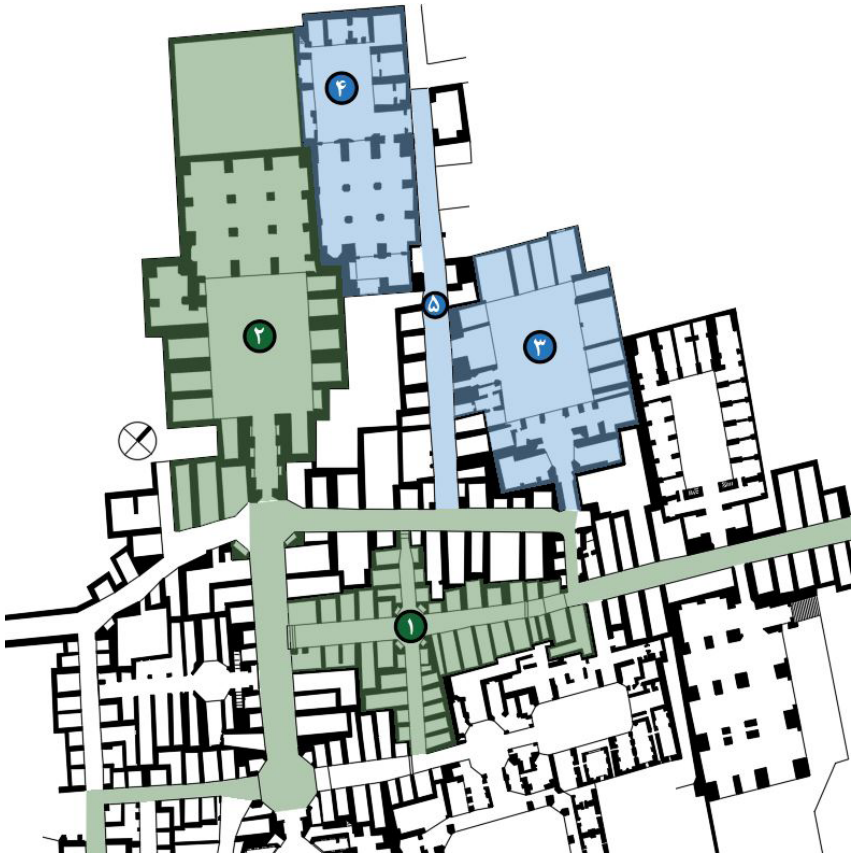


تصویر ۹: ورودی دوم کاروان‌سرای ملک در بازارچهٔ ملک



تصویر ۱۰: قسمتی از برش افقی طبقهٔ همکف کاروان‌سرای ملک: نظم طاق‌های بازارچهٔ ملک نسبت به راستهٔ عمود بر آن در پلان معکوس راسته‌ها (همان، ۱۷)

بررسی‌های این باب نشان داد که حداقل از زلزلهٔ سال ۱۱۹۲ق تا سال ۱۲۰۰ق مدرسهٔ میان‌چال مخروبه بود. تا سال ۱۱۹۵ق بعضی از بازارهای این محدوده که در زلزله آسیب دیده بود، ازجمله بازار قیصریه و دکان‌هایش (صفیان ۱۴۰۴، ۸۴) تعمیر شد. با پایتخت شدن تهران در دورهٔ قاجاریه دروازهٔ حاجی‌جمال که به راهِ پایتخت باز می‌شد از قبل هم مهم‌تر شد. آثار این اهمیت در رونق قسمتی از بازار که در مسیر این دروازه بود به چشم می‌خورد (تصویر ۱۱). کاروان‌سرای ملک ساخته شد، از سال ۱۲۰۰ق مدرسهٔ میان‌چال و بعضی از دکان‌های نزدیکش احیا و تعمیر شد، در سال ۱۲۱۲ق مسجد تبریزی‌ها کنار مدرسهٔ میان‌چال ساخته شد. طبق گفتهٔ ملا عبدالرسول مدنی مسجد تبریزی‌ها برای وسیع شدن مدرسهٔ میان‌چال ساخته شد و ابتدا جزئی از این مدرسه بود. مشخص است که این مدرسه در این دوره مکانی شلوغ و پررونق بود که به گسترش نیاز داشت. در همین زمان‌ها بازارچهٔ ملک دقیقاً در مسیر دروازهٔ حاجی‌جمال ساخته شد. بااینکه به احتمال زیاد بازار قیصریه از سال ۱۱۹۵ق به بعد زیاد تعمیر نشد، برخی مطالعات آشکار می‌کند که بنا بر نقاشی فلاندن و سفرنامهٔ او[۱۱] بازار قیصریه دست‌کم تا ۱۲۵۶ق بازاری مهم و باشکوه در کاشان بود (همان، ۶۷).



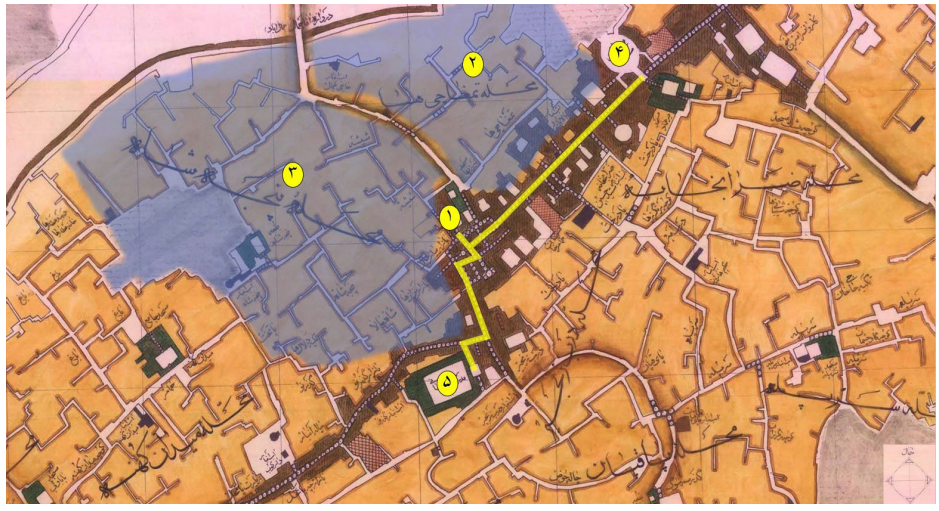
تصویر ۱۱: تحولات شمال و غرب محدوده بعد از زلزلهٔ ۱۱۹۲ق: عرصه‌های سبزرنگ (تعمیر یا احیاشده)، عرصه‌های آبی‌رنگ (تازه ساخته‌شده)، ۱. چهارسوی بازار قیصریه؛ ۲. مدرسهٔ میان‌چال؛ ۳. کاروان‌سرای ملک؛ ۴. مسجد تبریزی‌ها؛ ۵. بازارچهٔ ملک

۳. تحولات کالبدی و کارکردی محدوده و اهمیت آن‌ها در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه

در این باب تحولاتی که در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه باعث افزایش اهمیت محدودهٔ قیصریه شد و شواهدی که رونق این محدوده را نشان می‌دهد، بررسی می‌شود تا مشخص شود که محدوده چگونه در این دوره به یک مرکز شهری تبدیل شده است.

۳. ۱. مدرسهٔ میان‌چال؛ زیرساخت‌ها و فعالیت‌های مذهبی، اجتماعی و آیینی

ملا عبدالرسول مدنی در سال ۱۳۳۷ق دربارهٔ سرداب مدرسهٔ میان‌چال گفته است: «تقریباً هفتاد سال قبل، مرحوم حاجی عبدالصمد تاجر بانی احداث این سرداب خوب و سه قطعه فرش آن شد» (مدنی کاشانی ۱۴۰۰، ۱۴۵). «سرداب مرقومش اول سرداب است و آب‌انبارش اول آب‌انبار. هر آب‌انباری در تابستان آب باقی می‌آورد، مگر این آب‌انبار، بااینکه آب‌برش از همه زیادتر است» (همان، ۱۴۶). ضرابی دربارهٔ این آب‌انبار نوشته است: «و یکی دیگر برکهٔ مدرسهٔ میان‌چال است و آن ازجمله آب‌انبارهایی است که مربع‌مستطیل ساخته و با وصف آنکه دو محلهٔ بزرگ و چهارسوق شهر با کسبهٔ بازار از طرف شرقی شهر الی میدان سنگ و از سمت غربی الی مدرسهٔ سلطانی از آن می‌برند یک‌ساله و دوساله کفایت می‌نماید و در سردی و گوارایی بحد کمال است» (ضرابی ۱۳۵۶، ۱۰۳ـ۱۰۴). به‌این‌ترتیب، کیفیت آبِ این آب‌انبار و موقعیت آن در شهر و بازار باعث شده است که مردمِ دو محلهٔ بزرگ شهر[۱۲] و کسبه از بازارهای مختلف از آب این آب‌انبار استفاده کنند (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲: بخش‌هایی از شهر که از آب‌انبار مدرسهٔ میان‌چال آب می‌بردند: خط‌های زردرنگ (راسته‌های بازار)، عرصه‌های آبی‌رنگ (دو محلهٔ بزرگ)، ۱. مدرسهٔ میان‌چال؛ ۲. محلهٔ تمغاچی‌ها؛ ۳. محلهٔ پنجه‌شاه؛ ۴. میدان سنگ؛ ۵. مدرسهٔ سلطانی (تصویر پس‌زمینه از بیرشک ۱۳۷۴)

بعد از ملا محمود تولیت و امامت مدرسهٔ میان‌چال با فرزندش ملا زین‌العابدین شد و پس از مرگ او (۱۲۶۹ق) تولیت و امامت با فرزندش ملا محمد (پدر ملا عبدالرسول) شد (مدنی کاشانی ۱۴۰۰، ۱۴۵). ملا محمد در عصر خود بی‌مانند بود، محاسن اخلاقی او ضرب‌المثل شده بود و مردم «از راه‌های دور محض درک فیض جماعت با آن مرحوم حاضر می‌شدند» (همان، ۱۴۵ـ۱۴۶). ملا عبدالرسول دربارهٔ شلوغ شدن مدرسهٔ میان‌چال در این زمان و برداشتن تیغهٔ بین مسجد تبریزی‌ها و مدرسهٔ میان‌چال برای بیشتر شدن فضای مدرسه چنین نوشته است: «در عهد مرحوم پدرم جمعیت زیاد بود، [تیغه را] خراب کردند؛ آن مسجد مملو از مردم شد؛ از آن مسجد مانع شدند؛ مجدداً تیغه به حالت حالیه شد» (همان، ۱۴۷). او دربارهٔ مرمت مدرسهٔ میان‌چال در این دوره نیز توضیحی داده است: «تقریباً در چهل سال قبل[۱۳] باز خیلی مخروبه و منهدم شده بود، در زمان مرحوم پدرم مرحوم حاجی علی‌نقی تاجر کاشانی از تهران خیلی از بقاع را مرمت می‌نمود یک هزار تومان به مصرف مرمت این مسجد و مدرسه رساند» (همان، ۱۴۴).

اعضای این خاندان در عزاداری ماه محرم در کاشان فعالیت می‌کردند. در دورهٔ قاجاریه و دوره‌های بعد از آن مجلس روضه‌خوانیِ بیت آیت‌الله مدنی در ماه محرم ازطرف علمای این بیت تشکیل می‌شد (معتمدی ۱۳۷۸، ج. ۱: ۱۴۳). حاجی میرزا حبیب‌الله مدنی (برادر ملا عبدالرسول) روضه‌خوان ماهری بود (مدنی کاشانی ۱۴۰۰، ۱۴۶). حاج سید حسین تهامی روایت کرده است که با میرزا حبیب‌الله و جمعی دیگر همراه با «هیئت حسینی تجار کاشان» در مراسم عزاداری شرکت می‌کردند؛ یعنی از حسینیهٔ پانخل وارد بازار می‌شدند و درحالی‌که به سینه‌زنی و نوحه‌خوانی می‌پرداختند از بازار عبور می‌کردند تا به زیارت حبیب بن موسی برسند (معتمدی ۱۳۷۸، ج. ۱: ۲۲۰).

ملا عبدالرسول مدنی[۱۴] یکی از علمای برجستهٔ کاشان[۱۵] در دورهٔ قاجاریه و پهلوی بود. او از ابتدای پیدایش مشروطیت از طرف‌داران این نهضت در کاشان بود، در مجالس گوناگون آزادی‌خواهان شرکت می‌کرد و به‌سبب موقعیت علمی و خانوادگی‌اش به ریاست انجمن ولایتی کاشان و ریاست محکمهٔ صلحیه، یکی از محاکم عدلیهٔ کاشان، منصوب شد (مدنی کاشانی ۱۴۰۰، ۱۰). مدنی به مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی توجهی ویژه داشت. او *رسالهٔ انصافیه* (تألیف ۱۳۲۸ق) را در دفاع از مشروطیت نوشت تا جو ضد مشروطهٔ شهر کاشان را بشکند (همان، ۱۲). وی همچنین از زمانی که طغیان نایبیان سرکوب می‌شود (۱۳۳۷ق)، نوشتن کتاب *تاریخ اشرار کاشان* را شروع می‌کند (همان‌جا). او در این کتاب شروع بروز این شرارت را هم‌زمان با ابتدای بروز مشروطیت می‌داند و اظهار می‌کند که در

آن زمان انجمنی سرّی وجود داشت که دفع این شرارت‌ها یکی از مقاصدش بود (همو ۱۳۷۸، ۹۸). فعالیت‌های مدنی در مخالفت با نایب‌حسین کاشی (سادات ۱۳۹۷، ۱۳) و جزئیاتی که او در این کتاب مطرح کرده نشان می‌دهد که چقدر به این موضوعات اهمیت می‌داده و از آنچه در کاشان می‌گذشته باخبر بوده است. او در این کتاب بی‌کسبی و بیکاری عامّه را از موجبات قوّت نایبیان می‌داند (مدنی کاشانی ۱۳۷۸، ۲۲) و در کتاب *کلمات انجمن* نظرات خود دربارهٔ مسائل اقتصادی را مفصل‌تر مطرح می‌کند.

کتاب *کلمات انجمن* «گزارش‌گونه‌ای است از اهمّ مطالب مطرح‌شده در سلسله جلساتی که به‌تناوب از بدو شکل‌گیری نهضت مشروطه [...] تا اندک زمانی بعد از پایان جنگ اول جهانی در محفلی از دوستان و تحت نظارت او برگزار می‌شدند» (همو ۱۴۰۰، ۷). مدنی در *کلمات انجمن* به‌جز بحث‌های فقهی دربارهٔ مسائل دنیوی ازجمله اهمیت کسب ثروت و اثر آن بر استقلال مملکت (همان، ۱۱۷) صحبت کرده و مسائل مربوط به تولید و اقتصاد را تحلیل می‌کند. او از روحانیونی که در این وضع اقتصادی شغل دیگری ندارند (همان، ۵۱ـ۵۲) یا آن‌ها که همه‌چیز را به آمدن امام زمان(عج) سپرده‌اند (همان، ۱۱۷ـ۱۱۸) انتقاد می‌کند. در اسناد باقی‌مانده از دورهٔ قاجاریه، اطلاعاتی مرتبط با مطالب تاریخی مطرح‌شده در این کتاب وجود دارد. در یک مقاله، داده‌های این اسناد با روایت ملا عبدالرسول از وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کاشان در همان دوره مقایسه شده است. نتایج این بررسی با اتکا بر اسناد و مدارک آرشیوی تأیید می‌کند که روایت مدنی از دقت تاریخی فراوانی برخوردار بوده و خیلی به واقعیت نزدیک است (سادات ۱۳۹۷، ۲۳).

کلمهٔ دوم کتاب *کلمات انجمن* با صحبت دربارهٔ بیکاری آغاز می‌شود: «اصل همّوغم ما دوستان انجمن باید بر این باشد که بیکار خود را نگذاریم و حتی‌الامکان مشغول کاری باشیم. [...] لکن چه خاکی بر سر بریزیم که برای ما ایرانی‌ها کسب و صنعتی که درخور استعدادمان باشد به دست نیست. چون مدت‌هاست مربی ملتی یا دولتی برایمان نبوده» (مدنی کاشانی ۱۴۰۰، ۴۸). ملا عبدالرسول در این کتاب با صراحت، سیاست‌های تجاری زمان خود را نقد کرده و بر این باور است که این سیاست‌ها مانع توسعهٔ صنایعی مانند شعربافی و مسگری بوده و زمینه‌ساز گسترش خام‌فروشی شده است (همان، ۱۲۸). به‌این‌ترتیب، ملا عبدالرسول مدنی از موضوعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زمانهٔ خود به‌خوبی باخبر بود و عالِمی فعال در این زمینه‌ها بود که منصب‌های مهمی داشت. او در جلساتش دربارهٔ این موضوعات صحبت می‌کرد و برای رساندن نظرات خود به گوش مردم و تأثیر گذاشتن بر افکار آن‌ها مطالبی می‌نوشت و منتشر می‌کرد.

ملا عبدالرسول دربارهٔ نگهداری مدرسهٔ میان‌چال بعد از مرگ پدرش[۱۶] نوشته است: «مدرسه و مسجد مرقومه را تابه‌حال[۱۷] از شأن مرحوم پدرم علیه‌الرحمه نگاهداری کرده‌ام. از موقوفهٔ آن گاهی یک قطعهٔ کوچک زیلو خریده وقف آن کرده‌ام و مرمت و اندود آن را کرده‌ام و تولیت آن را به آقا خلیل‌الله پسر بزرگم واگذار کردم. بعد از خود چنانچه آقا رضا[۱۸] قابل امانت باشد بنماید و حق به او بدهد» (همان، ۱۴۵). پس تولیت و نگهداری این مدرسه بین اعضای همین خاندان باقی مانده و در دورهٔ ملا عبدالرسول مدرسهٔ میان‌چال اندود و مرمت شده است. ملا عبدالرسول در *کلمات انجمن* طوری به حضور برخی درویش‌ها در مدرسهٔ میان‌چال اشاره کرده که مشخص است از احوال آنان آگاه بوده است (همان، ۶۰).

در سال ۱۳۳۰ق هیئت حضرت موسی بن جعفر تأسیس شد و مرکز آن مدرسهٔ میان‌چال بود. در ماه محرم این مرکزِ عزاداری محل برگزاری مجلس روضه‌خوانی و سینه‌زنی بوده و هست (معتمدی ۱۳۷۸، ج. ۱: ۲۱۵). «در شب شانزدهم که شب هفت امام است طبق سنتی که از قدیم‌الایام در این محل رایج بوده به‌دنبال توغ قدیمی این محل[۱۹] برای عزاداری سنتی در مجالس و محلات شهر دوره می‌روند و در مراجعت اطعام می‌نمایند. هیئت نام‌برده سابقاً در روز عاشورا اما حالیه در روز هفت محرم برای عزاداری سنتی با جمعیت زیاد و شکوه هرچه‌تمام‌تر وارد بازار گردیده و در مراجعت از بازار اطعام می‌نمایند» (همان، ۲۱۶). بنابراین مدرسهٔ میان‌چال در دورهٔ قاجاریه نه‌تنها مرکز عزاداری هیئت موسی بن جعفر بوده؛ بلکه این مدرسه و راسته‌های مجاور آن محل ورود این هیئت پرجمعیت و باشکوه به بازار بوده است.

اطلاعات این قسمت نشان داد که مدرسهٔ میان‌چال در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه نه‌تنها یک مرکز مذهبی پررفت‌وآمد بود، بلکه مرکزیت خدماتی نیز داشت و مردم محلات و بازارهای اطراف از آب‌انبارش استفاده می‌کردند. تولیت و امامت این مدرسه در دست اعضای یک خاندان بود و آن‌ها در تعمیر و نگهداری این مدرسه می‌کوشیدند. بعضی از اعضای این

خاندان اشخاص فعال و سرشناسی در موضوعات مربوط به شهر کاشان و در مراسم عزاداری امام حسین(ع) بودند. یک هیئت در مدرسه مستقر بود و مدرسه مرکزیت آیینی هم داشت. یکی از شخصیت‌های مهم این خاندان ملا عبدالرسول مدنی بود که فعالیت‌هایش در مشروطه و تلاشش در راستای سرکوب نایبیان و تسلط و دقت نظراتش دربارهٔ مسائل اقتصادی او را به عالمی مطلع و فعال در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در زمان خود تبدیل می‌کرد.

۳. ۲. احداث تیمچه‌های فاخر و فعالیت‌های اقتصادی

در دورهٔ قاجاریه تیمچه‌های ملک‌التجار[۲۰]، امین‌الدوله و برقی[۲۱] در این محدوده ساخته شد. براساس اطلاعات کتاب *تاریخ کاشان* در سال ۱۲۸۸ق که ضرابی این کتاب را می‌نوشت، تیمچهٔ ملک‌التجار تازه ساخته شده بود و ساخت تیمچهٔ امین‌الدوله تا حد زیادی کامل شده بود (ضرابی ۱۳۵۶، ۴۲۶). ضرابی نامی از تیمچهٔ برقی یا حاج سید آقا نبرده است. با توجه به بناهایی که او در تاریخ کاشان دربارهٔ آن‌ها نوشته، بعید است که چنین تیمچهٔ باشکوهی را از قلم انداخته باشد پس به‌احتمال زیاد این تیمچه بعد از نوشتن این کتاب احداث شده است. به‌این‌ترتیب، هر سه تیمچه (تصویر ۱۳) در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه ساخته شده‌اند.

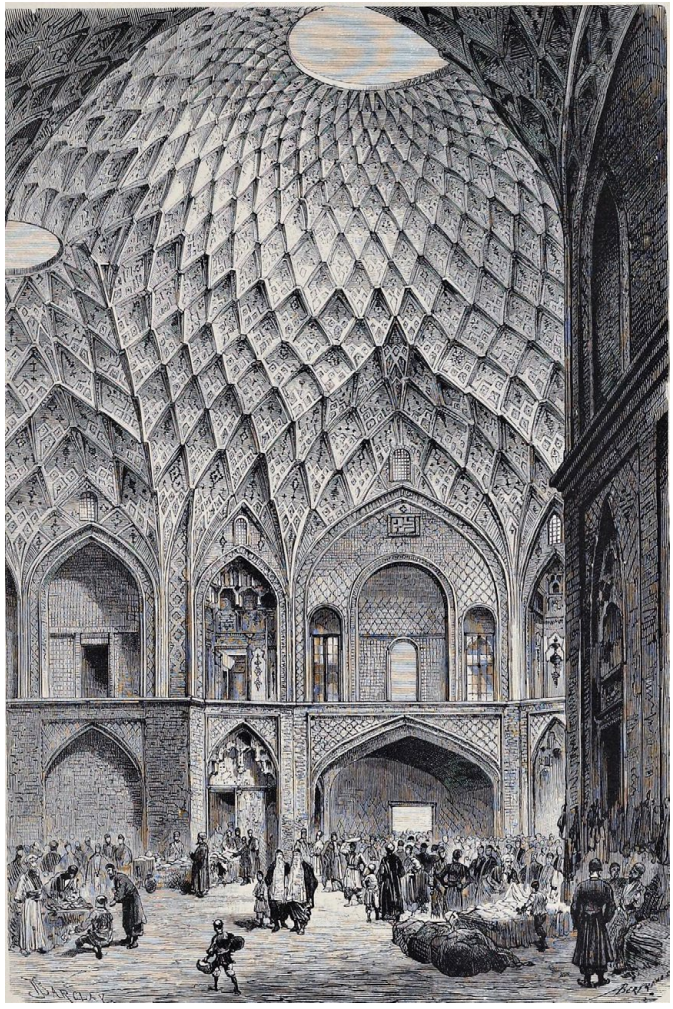


تصویر ۱۳: تیمچه‌هایی که در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه در محدودهٔ قیصریه ساخته شد: ۱. تیمچهٔ ملک‌التجار؛ ۲. تیمچهٔ امین‌الدوله؛ ۳. تیمچهٔ برقی؛ ۴. بازار بزازها

دیولافوا در سال ۱۲۹۸ق به کاشان آمد. توصیف و نقاشی دقیقی از تیمچهٔ امین‌الدوله در سفرنامهٔ او هست: «بازار این شهر وسیع است و سقف آن دارای گنبدهای کوچکی است که به هم پیوسته و جابه‌جا کاروان‌سرایی هست که مخزن مال‌التجاره است. این کاروان‌سراها تاجرنشینند و غیر از آن‌هایی هستند که مسافرین در آن‌ها منزل می‌کنند. این‌ها دارای بناهای مجلل و مزینی هستند. یکی از بهترین نمونه‌های آن‌ها کاروان‌سرای تازه است که تجار ساخته‌اند. شکل آن مانند منشور مربع‌القاعده است و در دو طرف آن درب ورودی دارد. تمام بنا با آجر ساخته شده و در سقف و دیوارهای آن آجرهایی به کار رفته که کنار آن‌ها مانند کاشی لعاب‌دار برجسته است و نمایش قشنگی دارد. در سقف آن

هم سه روزنهٔ بزرگ است که به‌قدر کافی محوطه را روشن می‌کند. این بنای مهم که پر از مال‌التجاره‌های گران‌بهاست بهتر از هرگونه احصائیه و محاسبه‌ای اهمیت تجارتی و آبادی و ترقی شهر را نشان می‌دهد. در این کاروان‌سرای نو پارچه‌های ابریشمی و مخمل‌های عالی دستباف که محصول همین شهر است، به فروش می‌رسد. مخمل کاشان به‌واسطهٔ خوبی جنس و رعونت و لطافت مشهور است. [...] به‌هرحال کاروان‌سرای نو مرکز مهم تجارت پارچه‌های کاشان است و معاملات عمده‌ای در آن انجام می‌گیرد و تجار آن هم عموماً ثروتمند هستند» (دیولافوا ۱۳۳۲، ۱۹۵).

این متن تفاوت کاروان‌سراهای این محدوده با کاروان‌سراهایی را که مسافرین در آن‌ها می‌مانند، مشخص کرده است و کاروان‌سرای امین‌الدوله را نمونهٔ خوبی از آن‌ها می‌داند. در آن زمان این تیمچه مخزن مال‌التجاره‌های گران‌بها ازجمله پارچه‌های ابریشمی و مخمل‌های دستباف بود، عموماً تجار ثروتمند آنجا بودند، معاملات عمده‌ای در آن انجام می‌شد و مرکز مهم تجارت پارچه‌های کاشان بود. نقاشی چاپ‌شده در سفرنامهٔ دیولافوا[۲۲] (تصویر ۱۴) انبوه جمعیت را که در این تیمچه مشغول معامله کردن پارچه هستند، به تصویر کشیده است.



تصویر ۱۴: تیمچهٔ امین‌الدوله در سال ۱۲۹۸ق
(Dieulafoy 1887, 195)

طبق توصیف ضرابی (۱۳۵۶، ۴۲۶) در آن زمان بازار بزازها کنار تیمچهٔ امین‌الدوله بود و یکی از درهای تیمچهٔ ملک‌التجار به آن باز می‌شد (تصویر ۱۳).[۲۳] مشخص است که این قسمت در آن سال‌ها یک مرکز پررونق خریدوفروش پارچه بوده است. تیمچهٔ امین‌الدوله در سندی از سال ۱۳۴۱ق «سرای امین‌الدوله واقعه در میانچال کاشان غنیه از تحدید و توصیف» معرفی شده و به «دخول و خروج بارهای تجارتی و میزان‌داری و قپان‌داری» در آن اشاره شده است (مصالحه‌نامهٔ واگذاری قسمتی از سرای امین‌الدوله ۱۳۴۱ق، ۲). به‌این‌ترتیب، این تیمچه تا آخر دورهٔ قاجاریه بنای تجاری شاخصی بود که به تحدید و توصیف نیاز نداشت.

این تیمچه را فرخ‌خان امین‌الدوله احداث کرده است (ضرابی ۱۳۵۶، ۴۲۶). خاندان غفاری از خانواده‌های سرشناس و قدیمی کاشان است. فرخ‌خان امین‌الدوله[۲۴] از افراد مشهور این خاندان است. او در سال ۱۲۶۰ق به سِمَت صندوق‌داری خاصهٔ محمدشاه و حکومت کاشان منصوب شد (سرابی ۱۳۴۴، ۶). در سال ۱۲۷۲ق لقب امین‌الملکی گرفت و این مقدمهٔ مأموریت او به اروپا (۱۲۷۲ـ۱۲۷۵ق) بود (همان‌جا). در این مأموریت قرارداد پاریس بسته شد و «به‌موجب آن افغانستان به‌کلی از تحت تبعیت ایران خارج گردید» (همان، سی‌وهشت).

از این مأموریت یک سفرنامه باقی مانده که میرزا حسین سرابی منشی فرخ‌خان آن را نوشته است. فرخ‌خان کیفیت و قابلیت سرابی را در مأموریت مهم فرنگ کافی نمی‌دانسته و از او شکایت می‌کرده است (همان، ۲۵). همین موضوع نشان می‌دهد که فرخ‌خان چقدر به این سفرنامه اهمیت می‌داده و بر نوشتن آن نظارت داشته است. ضرابی و محمدعلی غفاری نیز در کتاب‌هایشان اطاعات دقیقی دربارهٔ فرخ‌خان می‌دهند. اطلاعات ضرابی که «سال‌ها امین وظائف کاشان و مدتی هم مباشر و سرپرست املاک و مستغلات امین‌الدوله بوده» (نراقی ۱۳۴۵، ۲۹۸) دربارهٔ کاشان و به‌ویژه فرخ‌خان امین‌الدوله اعتبار زیادی دارد.

محمدعلی غفاری (متولد ۱۲۵۵ق) پسرعموی فرخ‌خان است (غفاری ۱۳۶۱، ده). وی نویسندهٔ کتاب *تاریخ غفاری* است. از صحبت‌های او در این کتاب مشخص است که از نزدیکان فرخ‌خان بوده و در جریان جزئیات امور مربوط به وی بوده است. او خود را «فرزند پرورش‌دادهٔ» فرخ‌خان می‌دانست و در سال ۱۲۷۹ق شش ماه ساکن خانهٔ فرخ‌خان در تهران بود (همان، ۱۹). فرخ‌خان امور زیادی به او محول می‌کرد و در چند قنات باهم شریک بودند (همان، ۲۲ـ۲۳). در سال ۱۲۸۷ق وقتی طبیبان از معالجهٔ فرخ‌خان امین‌الدوله قطع امید کردند، وی در جلسه‌ای که همهٔ اقوامش حاضر بودند محمدعلی را فرزند خود خواند و گفت بین او و فرزندان خود فرقی نگذاشته است (همان، ۳۱ـ۳۲). به‌این‌ترتیب، صحبت‌های محمدعلی غفاری دربارهٔ فرخ‌خان حاصل دیده‌ها و شنیده‌هایش بوده و معتبر است.

زمانی که فرخ‌خان از اروپا به تهران برگشت «دیری نگذشت که به لقب امین‌الدولگی ملقب و به مقام وزارت مفتخر گشت» (همان، ۱۲ـ۱۳). او با توجه به آنچه در اروپا دیده بود، فعالیت‌هایی را آغاز کرد؛ ازجمله اینکه شاگردانی را برای تحصیل به فرانسه فرستاد که چند نفر از آن‌ها اهل کاشان بودند (همان، ۱۳). محمدعلی غفاری در روایات مختلف اشاره می‌کند که حتی زمان اقامت فرخ‌خان در تهران، اهالی کاشان برای او عریضه می‌نوشتند و او در جریان امور مربوط به کاشان بوده است.[۲۵] چنین روایت‌هایی توجه فرخ‌خان به کاشان را نشان می‌دهد. او حتی در سال ۱۲۸۲ق که مجبور شد تهران را ترک کند انتخاب کرد که به کاشان برود (همان، ۲۳).

فرخ‌خان در سفر خود هنگامی که در پاریس بود به فکر یافتن راه‌هایی برای پیشرفت کشور بود و در این زمینه با یک تاجر فرانسوی صحبت کرد (سرابی ۱۳۴۴، ۲۶۷). آن تاجر ضمن اشاره به منفعت کم کردن واسطه‌ها در معاملات (همان، ۲۶۹) گفت: «و از آن گذشته همین‌قدر که بایع و مشتری رونق و رواجی در مال‌التجاره دیدند حتی‌الامکان سعی در ازدیاد و ترقی آن می‌کنند» (همان، ۲۷۰). او همچنین تجارت در سطح بین‌المللی را اسباب پیشرفت ایران دانست و گفت: «در هیچ دولتی این اسباب فراهم نیامده است مگر به‌واسطهٔ تجار و رابطه با خارجه، چنانچه خود اولیای دولت این مرحله را فهمیده و به مأمورین خود مأموریت داده‌اند که بی‌اندازه در این باب ساعی باشند» (همان‌جا). امین‌الدوله در همین سفر[۲۶] و پس از آن در راستای این صحبت‌ها کوشید. قرارداد ساخت کارخانهٔ ابریشم‌کشی که در این جلسه دربارهٔ آن صحبت شد[۲۷] در سال ۱۲۷۵ق به امضای ناصرالدین‌شاه رسید (اصفهانیان، غفاری، و عمران ۱۳۸۵، ج. ۱: ۵۸ـ۵۹).

این شواهد نشان می‌دهد که در ذهن فرخ‌خان اهمیت تجارت به‌منزلهٔ عاملی برای آبادی مملکت در آن زمانه نقش بسته بود. او با تجربیات و توانایی‌هایی که در این سال‌ها به دست آورده بود در کاشان نیز دو مرکز مهم تجاری و صنعتی تأسیس کرد: یکی تیمچهٔ امین‌الدوله (ضرابی ۱۳۵۶، ۴۲۶) و دیگری بازار نوی مسگرها (همان، ۴۲۷). فرخ‌خان نه‌تنها به کاشان توجه داشت، بلکه آباد کردن این شهر برایش خیلی مهم بود. زمانی که حاکم کاشان بود در نامه‌ای به حاج میرزا آقاسی (صدراعظم وقت) نوشت: «قربانت شوم سه سال است این ولایت خرابه را به فدوی مفوض فرمودید. به خدای یگانه قسم است که زیاده از قوه و مقدور در رفاه و آسودگی مردم کوشیده[ام]» (اصفهانیان و روشنی ۱۳۴۶، ۴). حاج میرزا آقاسی در حاشیهٔ همین نامه نوشت: «به پدرت هم بنویس مشغول تعمیر کاشان باشد. شاید آبی برای آنجا پیدا کنیم و کاشان را آباد و معمور سازیم» (همان، ۵). این نامه‌ها مستقیماً اهمیت دادن فرخ‌خان به معموری کاشان و رفاه مردمش را نشان می‌دهد. سال‌ها بعد از این جریانات فرخ‌خان به مأموریت اروپا می‌رود. بعد از بازگشت به ایران چند سال در تهران می‌ماند و در ۱۲۸۲ق به کاشان بازمی‌گردد.

نوشته‌های ضرابی در همان دهه دربارهٔ صنایع کاشان (ضرابی ۱۳۵۶، ۲۲۷ـ۲۲۸) نشان می‌دهد که صنایع نساجی و مسگری دو صنعت مهم در کاشانِ آن زمان بودند. فرخ‌خان که از قدیم به آباد کردن کاشان اهمیت می‌داد و در سفرهایش اهمیت صنعت و تجارت در پیشرفت و آبادی مملکت را خوب درک کرده بود، برای توسعهٔ نساجی و مسگری در کاشان تلاش کرد. بااینکه شهر بازار مسگرها داشت، او «در جنب بازار مسگران قدیم» (همان، ۲۲۷) بازار دیگری نیز برای مسگرها تأسیس کرد. تیمچهٔ امین‌الدوله که مرکز مهمی برای تجارت پارچه‌های کاشان بود در محدودهٔ قیصریه ساخته شد؛ محدوده‌ای که ازنظر ارتباط با بخش‌های دیگرِ بازار و شهر کاشان و حتی ارتباط با شهرهای دیگر موقعیت مهمی داشت. این احتمال وجود دارد که بازار قیصریه و محدودهٔ بلافصلِ آن پیش از دورهٔ قاجاریه نیز ازنظر تولید و تجارت پارچه و هنرها و صنایع مربوط به آن مهم بوده باشد (صفیان ۱۴۰۴، ۴۵).

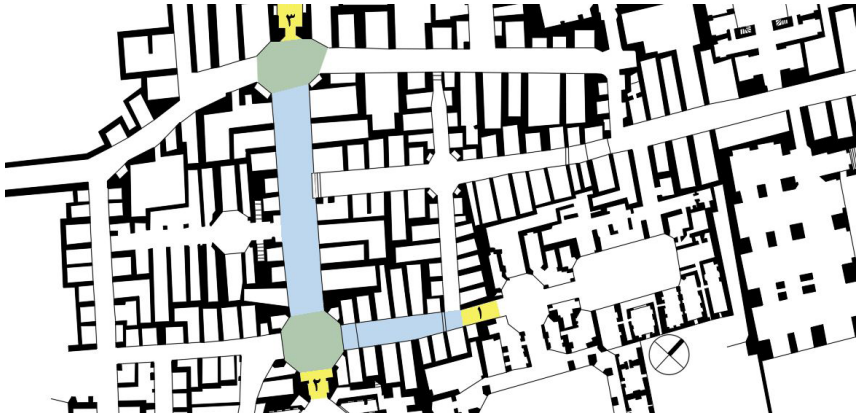
همان‌طور که پیش‌تر بررسی شد، ملا عبدالرسول مدنی هنگامی که می‌خواهد از اجناسی که باعث ایجاد کسب‌وکار در کشور می‌شوند مثال بزند، به ابریشمِ بافته و مسِ ساخته اشاره می‌کند و اعتراض می‌کند که «کسب شعربافی که عمدهٔ کسب ایرانیان بود، از میان برده‌اند» (مدنی کاشانی ۱۴۰۰، ۱۲۸). به‌این‌ترتیب، شعربافی و مسگری بعد از دورهٔ ضرابی و فرخ‌خان و تا اواخر دورهٔ قاجاریه هنوز از صنایع مهم بودند، اما رونق گذشته را نداشتند.

۳. ۳. عظمت، نظم و اهمیت سیاسی راسته‌ها

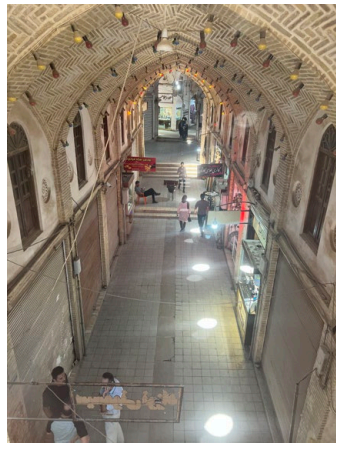
در محدودهٔ قیصریه دو راسته ارتفاعشان از بقیه بیشتر است: یکی بازار بزازها که از ورودی تیمچهٔ ملک‌التجار (تصویر ۱۷) تا چهارسوی مقابل ورودی تیمچهٔ امین‌الدوله ادامه دارد (تصویر ۱۶) و دیگری بازار میان‌چال (تصویر ۱۸) که بین ورودیِ تیمچهٔ امین‌الدوله و مدرسهٔ میان‌چال قرار دارد (تصویر ۱۵). درهای تیمچه‌های امین‌الدوله، ملک‌التجار و برقی تقریباً به یک اندازه پایین‌تر از بازار میان‌چال قرار دارد و درِ مدرسهٔ میان‌چال (تصویر ۷) از آن‌ها پایین‌تر است.

طبقهٔ بالای ورودی این سه تیمچه متناسب با ابعاد درهایشان ساخته شده است اما ورودی مدرسهٔ میان‌چال دری کوچک و حجره‌ای بزرگ روی آن دارد. به نظر می‌رسد که بازار میان‌چال و چهارسوهای دو طرف آن، بازار بزازها و ورودی تیمچه‌ها در زمان‌های متفاوت اما متناسب با هم طراحی شده‌اند و باوجود قدمت مدرسهٔ میان‌چال و درِ آن، احتمالاً سردری جدیدتر و هماهنگ با چهارسوی میان‌چال و دیگر قسمت‌های یادشده بالای درِ مدرسه ساخته شده است.

ورودی دیگرِ تیمچهٔ امین‌الدوله طبقه‌ای بالای خود دارد؛ اما راستهٔ مقابل آن یک‌طبقه است (تصویر ۱۹). بازارچهٔ ملک نیز یک‌طبقه است (تصویر ۲۰). بازار قیصریه ارتفاعش بیشتر است و فضاهایی بالای حجره‌هایش قرار دارد؛ اما این بالاخانه‌ها فضاهای بزرگی نیست. دکان‌های جنوب شرقی بازار بزازها مجاورِ تیمچه‌های ملک‌التجار و امین‌الدوله قرار دارد. تقریباً همهٔ دکان‌های این بازار دوطبقه است. در بازار میان‌چال همهٔ دکان‌ها دوطبقه نیست؛ اما ارتفاع بازار همه‌جا ثابت است. مشخص است که بازار بزازها و بازار میان‌چال در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه که بناهای مجاورشان ساخته شد به‌گونه‌ای هماهنگ با آن‌ها تعمیر شد؛ درحالی‌که راسته‌های اطرافشان در این دوره تغییر چشمگیری نکرد و احتمالاً فقط به دستور ماشاالله‌خان کاشی سفید شد[۲۸]. این اهمیت دادن به راسته‌ها نشان از رونق تجارت در این بخش‌ها دارد.



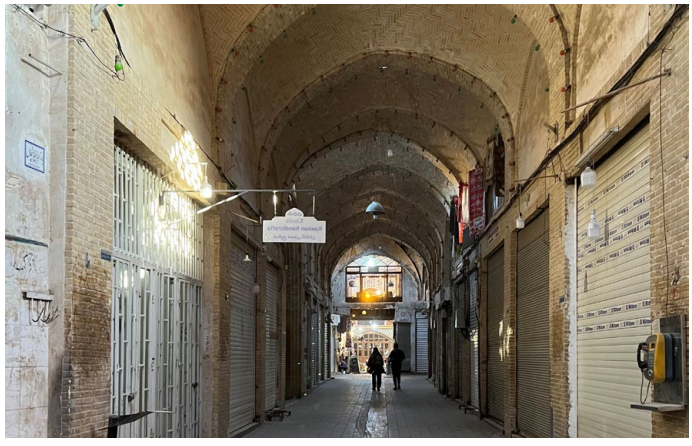
تصویر ۱۵: موقعیت بازار بزازها و بازار میان‌چال: عرصه‌های آبی‌رنگ (راسته‌ها)، عرصه‌های سبزرنگ (چهارسوها)، ۱. ورودی تیمچهٔ ملک‌التجار؛ ۲. ورودی تیمچهٔ امین‌الدوله؛ ۳. ورودی مدرسهٔ میان‌چال



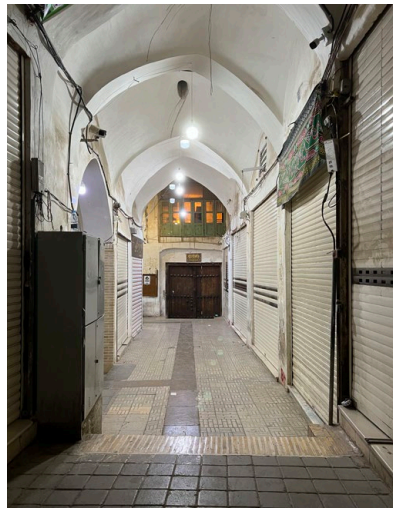
تصویر ۱۶: بازار بزازها از طبقهٔ بالای ورودی تیمچهٔ ملک‌التجار



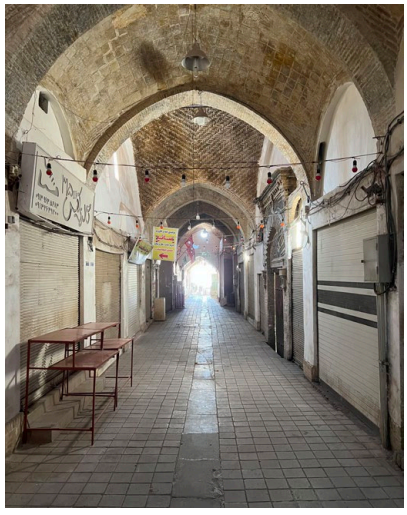
تصویر ۱۷: ورودی تیمچهٔ ملک‌التجار و بازار بزازها در سال ۱۳۶۴ش (آزرمی و دیگران ۱۳۶۴ش، ج. ۱: ۷۰)



تصویر ۱۸: بازار میان‌چال ازطرف چهارسوی میان‌چال رو به ورودی تیمچهٔ امین‌الدوله



تصویر ۱۹: ورودی جنوبی تیمچهٔ امین‌الدوله و راستهٔ مقابل آن



تصویر ۲۰: بازارچهٔ ملک

در بازار میان‌چال نزدیک به تیمچهٔ امین‌الدوله و بازار بزازها سه کتیبه نصب شده است. این کتیبه‌ها در دو طرف یک حجره که امروزه مسجدی به نام الزهراست نصب شده‌اند (تصویر ۲۱). کتیبهٔ قدیمی‌تر مربوط به سال ۹۶۹ق است (تصویر ۲۷)؛ کتیبه‌ای بلند که سمت راست ورودی مسجد قرار دارد و فرمان شاه‌طهماسب اول صفوی دربارهٔ تخفیف مالیات‌های کاشان است. دو کتیبهٔ دیگر مربوط به دورهٔ قاجاریه است. مسجد میرعماد به‌خصوص ورودی آن که در بر میدان میرعماد (میدان سنگ) قرار دارد، محل نصب کتیبه‌های مربوط به فرمان‌های شاهان از دورهٔ قراقوینلو تا زندیه است. بیشترِ این کتیبه‌ها مربوط به دورهٔ صفویه و دورهٔ سلطنت شاه‌طهماسب اول و شاه‌عباس اول است. به‌این‌ترتیب، وجود کتیبهٔ فرمان شاه‌طهماسب در میانِ بازار عجیب است؛ زیرا در آن زمان سردر مسجد میرعماد محل نصب چنین فرمان‌هایی بود و در آن تاریخ حتی هنوز بازار قیصریه هم در آن محدوده ساخته نشده بود.

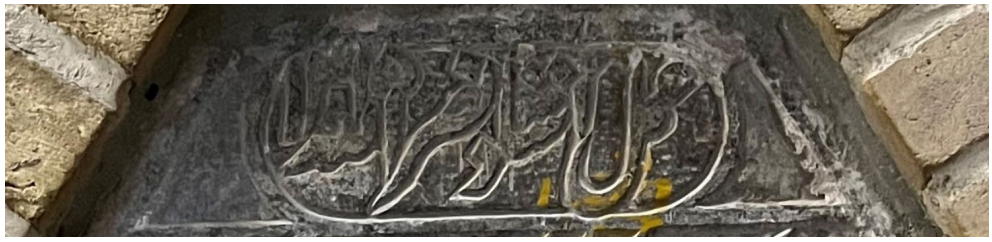


تصویر ۲۱: کتیبه‌هایی که نزدیک به چهارسو و ورودی تیمچهٔ امین‌الدوله قرار دارند.

دو کتیبهٔ دیگر سمت چپ ورودی مسجد الزهرا و نزدیک‌تر به چهارسو قرار دارد. کتیبهٔ بالاتر حکم حکومتی مربوط به سال۱۲۸۵ق در دورهٔ ناصرالدین‌شاه است (تصویر ۲۲) که در آن بعضی از اعمال حاکم کاشان مربوط به نگهداری زنان فاحشه و منع نکردن شراب‌فروش محدود شده است. کتیبهٔ پایین‌تر تخفیف به نانواهای کاشان در دورهٔ مظفرالدین‌شاه در سال ۱۳۱۵ق است (تصویر ۲۳). تاریخ کتیبهٔ اول هم‌زمان با ساختن تیمچهٔ امین‌الدوله است.



تصویر ۲۲: تاریخِ کتیبه در خط چهارم کتیبهٔ سال ۱۲۸۵ق: «در سال یکهزار و دویست و هشتاد و پنج هجری»

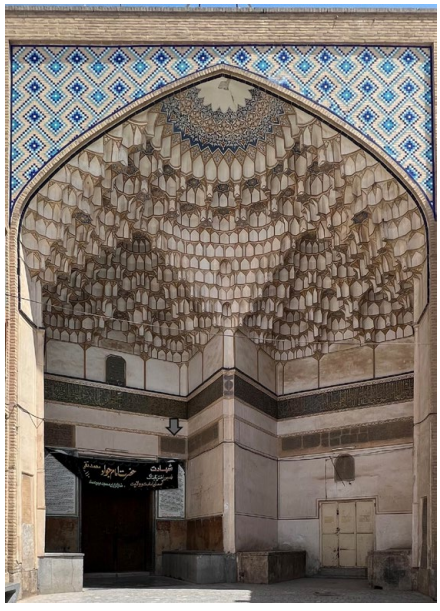


تصویر ۲۳: تاریخِ کتیبه در خط اول کتیبهٔ سال ۱۳۱۵ق: «عمل استاد نصرالله ۱۳۱۵»

وجود کتیبه‌ای که مربوط به محدود کردن فعالیت زنان فاحشه و شراب‌فروشان است نشان می‌دهد که این مکان ازنظر موضوعات عرفی جامعه و بحث‌های مربوط به روابط انسانی نیز مرکزیت داشته است. احتمالاً افرادی که چنین خدماتی ارائه می‌کردند یا استفاده‌کنندگان از این خدمات به‌نحوی در این مکان رفت‌وآمد داشتند و به همین دلیل کتیبه‌ای که از حدود این فعالیت‌ها صحبت می‌کند در این محدوده قرار گرفته است. تلاش برای مدیریت چنین اموری ازطریق نصب کتیبه در محدودهٔ قیصریه نشان می‌دهد که این محدوده مرکزیتی عرفی و مدنی داشته است.

در دورهٔ قاجاریه مسجد میرعماد و سردر آن دیگر محل نصب فرمان‌های شاهی نیست. تنها کتیبهٔ قاجاری سردر ورودی این بنا کتیبه‌ای به تاریخ ۱۲۴۳ق است که دربارهٔ بانی سردر مسجدِ یادشده است. مشخص است که در دورهٔ قاجاریه این مسجد و این میدان دیگر جایگاه سیاسی پیشین را ندارد؛ اما به نظر می‌رسد محدودهٔ قیصریه روزبه‌روز با تعمیر بناها، ساخت بناهای جدید و فعالیت افراد مهم پررونق‌تر می‌شود. به‌این‌ترتیب، برخلاف کتیبهٔ صفوی وجود کتیبه‌های قاجاری در این بخش منطقی است. ممکن است کتیبهٔ صفوی را در دورهٔ قاجاریه به این بازار آورده باشند تا اهمیت و مرکزیت سیاسی آن را تقویت کنند.

دیولافوا در سال ۱۲۹۸ق عکسی از سردر مسجد میرعماد برداشته است (دیولافوا ۱۳۳۲، ۲۱۸). کتیبه‌های زیادی در این عکس مشخص نیست اما مقایسهٔ این عکس (تصویر ۲۵) با وضع موجود (تصویر ۲۴) نشان می‌دهد که فرمان شاه‌طهماسب اول دربارهٔ تخفیف مالیاتی برای منطقهٔ کاشان در سال ۹۷۹ق، به‌وضوح در جای خود مانده است. حتی فاصله‌های کتیبه از زمینهٔ اطرافش در هر دو تصویر مشابه است. همان‌طور که در تصویر ۲۶ مشخص است در فرمان سال ۹۷۹ق مستقیماً نوشته شده: «رقم این عطیه را مؤکد بلعنت‌نامه بر سنگ نقش کرده بر در مسجدجامع در محل مرتفع که منظور نظر عموم خلایق باشد نصب نمایند». در این نمونه طبق آنچه در متن کتیبه آمده عمل شده؛ یعنی کتیبه بر در مسجد جامع و در محلی مرتفع نصب شده و همان‌جا مانده است. این جمله همچنین نشان می‌دهد که محلی مرتفع بر در مسجد جامع در آن زمان جایی بوده است که همهٔ مردم کتیبه‌هایش را می‌دیدند.



تصویر ۴۲: ورودی مسجد میرعماد در سال ۱۴۰۴ش:
کتیبهٔ مشخص‌شده (فرمان شاه‌طهماسب در سال ۹۷۹ق)



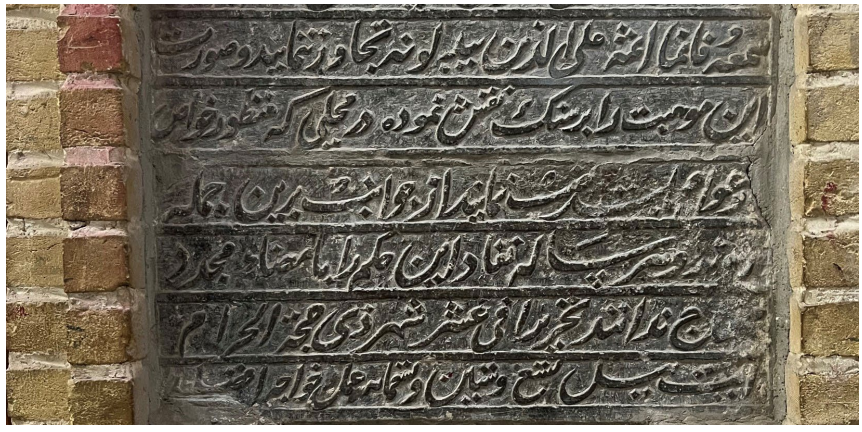
تصویر ۲۵: ورودی مسجد میرعماد در سال ۱۲۹۸ق
(Dieulafoy and Dieulafoy 1880-1894, Perse 1, 82)



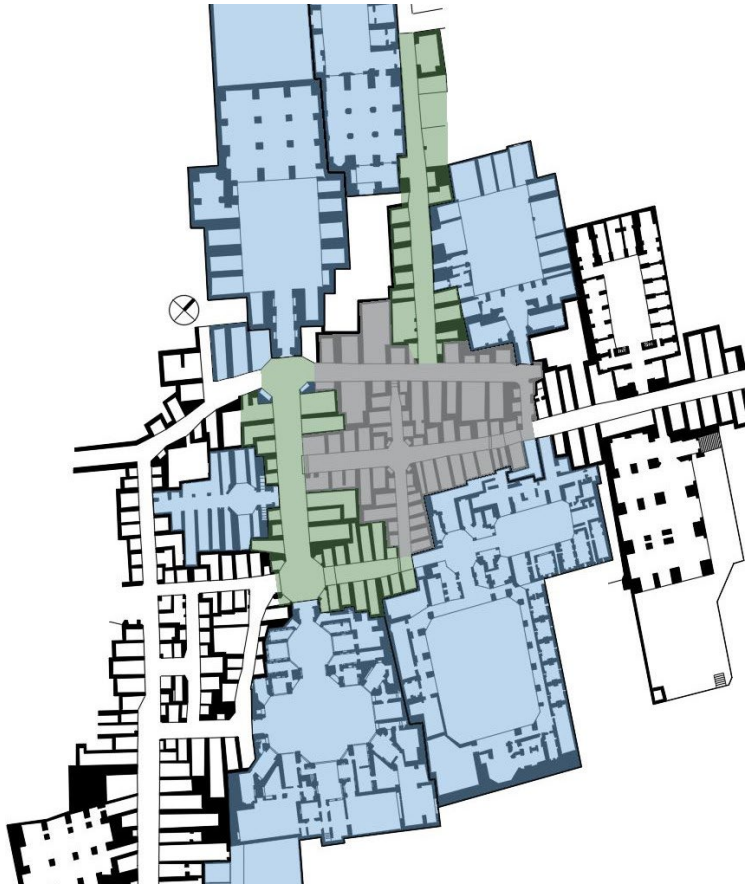
تصویر ۲۶: قسمتی از فرمان شاه‌طهماسب در سال ۹۷۹ق که مستقیماً به محل نصب کتیبه اشاره می‌کند.

این کتیبه مربوط به ده سال بعد از کتیبهٔ شاه‌طهماسب است که در بازار میان‌چال قرار دارد. موضوع هر دو کتیبه تخفیف مالیاتی است. در کتیبهٔ سال ۹۶۹ق (تصویر ۲۷) دربارهٔ محل نصب کتیبه آمده است: «صورت این موهبت را بر سنگ نقش نموده در محلی که منظور خواص و عوام باشد نصب نمایند». طبق متن فرمان ۹۷۹ق سردر مسجد میرعماد در دید همهٔ مردم بوده است. متن این فرمان و وجود چند کتیبهٔ دیگر از شاه‌طهماسب، با تاریخ‌های قبل و بعد از ۹۶۹ق، در سردر مسجد میرعماد تأیید می‌کند که کتیبهٔ سال ۹۶۹ق نیز در دورهٔ صفویه باید در مسجد میرعماد بوده باشد. در متن کتیبهٔ ۹۶۹ق ذکر شده در محلی که منظور خواص و عوام باشد نصب نمایند و این کتیبه در بازار میان‌چال و نزدیک به چهارسوی تیمچهٔ امین‌الدوله نصب شده است. نصب این کتیبه و دو کتیبهٔ قاجاری نزدیک به چهارسویی که بازار میان‌چال و بازار بزازها آنجا به هم می‌رسند، پررفت‌وآمد بودن و اهمیت سیاسی این مکان در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه را نشان می‌دهد.

تا این قسمت یافته‌های این باب نشان می‌دهد که به کالبدِ بازار قیصریه در دورهٔ قاجاریه دیگر رسیدگی نشد؛ اما همان‌طور که از تصویر ۲۸ برمی‌آید در همین دوره بناها و راسته‌هایی اطراف بازار قیصریه ساخته یا تعمیر شد. به‌طوری‌که در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه شخصیت‌هایی که در امور کاشان آن زمان فعال بودند در این محدوده بناهایی را تعمیر و احداث کردند و محدودهٔ بلافصل بازار قیصریه محل جمع شدنِ بناها و راسته‌هایی شد که اهمیت مذهبی، تجاری، اجتماعی و سیاسی در شهر کاشان داشتند. در قسمت بعد مشخص می‌شود که اهمیت این محدوده چگونه از این هم فراتر می‌رود و تیمچهٔ امین‌الدوله و راسته‌های اطراف آن، چه جایگاهی در مراسم عزاداری مردم کاشان پیدا می‌کند.



تصویر ۲۷: قسمتی از فرمان شاه‌طهماسب در سال ۹۶۹ق در بازار میان‌چال که به محل نصب کتیبه اشاره می‌کند.



تصویر ۲۸: تعمیرات و ساخت‌وسازها در محدودهٔ اطراف بازار قیصریه: عرصه‌های آبی‌رنگ (بناهای تعمیر یا ساخته‌شده)، عرصه‌های سبزرنگ (راسته‌های تعمیر یا ساخته‌شده)، عرصه‌های طوسی‌رنگ (راسته‌هایی که به آن‌ها رسیدگی نشد.)

۳. ٤. تیمچهٔ امین‌الدوله؛ مکانی برای برگزاری مراسم عزاداری و نظم دادن به آن

در دوره‌های مختلف جلوگیری از درگیری و برقرار کردن نظم و امنیت هنگام عزاداری کاشانیان در ماه محرم اهمیت و ضرورت ویژه‌ای داشته است. در این قسمت، ضمن بررسی مراسمی که در تیمچهٔ امین‌الدوله در دورهٔ قاجاریه برگزار می‌شد، شواهدی از این مشکلات و تدابیری که در دوره‌های مختلف برای حل آن اندیشیده‌اند بررسی می‌شود و مشخص می‌شود که چه خصوصیاتی باعث شده است این تیمچه و راسته‌های نزدیک به آن بتواند نقش مؤثری در برقراری نظم و جلوگیری از هرج‌ومرج هنگام حرکت دسته‌های عزاداری ایفا کند.

حرکت دسته‌ها در کاشان به این صورت است که پس از اجتماع در مرکز هیئت و در پایان مجلس روضه‌خوانی اهالی محل با پرچم، بیرق، علم، توغ، نخل، کتل و...[۲۹] به طرف بازار حرکت می‌کنند و در چند نقطه از بازار به‌ویژه نقاطی که امامزاده یا مرکز هیئتی باشد توقف کرده و مفصل سینه‌زنی و نوحه‌خوانی می‌کنند (معتمدی ۱۳۷۸، ج. ۱: ۳۸۵ـ۳۸۶). نوشته‌های بیضایی نیز تأیید می‌کند که بازار کاشان در دورهٔ قاجاریه مسیر حرکت دسته‌های عزاداری بوده است. او که هم عزاداری‌های دورهٔ قاجاریه هم دورهٔ پهلوی را دیده است،[۳۰] در کتاب *کاشانهٔ دانش* توضیح می‌دهد که در سال‌های اول سلطنت رضاشاه اعمال مربوط به عزاداری حضرت سیدالشهدا(ع) متروک شد و «حال[۳۱] مجدداً چند سالی است رایج شده و در هر یک از محلات کاشان، چند هیئت عزاداری مشاهده می‌شود که شاید نودوهشت درصد از مردم شهر در این دسته‌ها عضویت دارند» (بیضایی ۱۴۰۰، ۱۵۰). کلمهٔ «مجدداً» نشان می‌دهد که پیش از دورهٔ رضاشاه هیئت‌های محله‌های کاشان فعال بودند. بیضایی در ادامه اشاره می‌کند که در دورهٔ قاجاریه دسته‌های عزاداری در روز معینی به مقصدِ بازار راه می‌افتادند (همان، ۱۵۳).

میرزا شرف‌الدین، یکی از سادات کاشان در زمان سلطنت شاه‌طهماسب اول صفوی، حسینیهٔ پانخل را احداث کرد؛ او هرسال در ایام و لیالی عاشورا در این حسینیه مجلس روضه‌خوانی و نوحه‌سرایی برگزار می‌کرد؛ و یکی از خدمات برجستهٔ او تنظیم مقرراتی بود برای حرکت دسته‌ها و روزِ بازار رفتن آن‌ها تا از ایجاد اختلاف و زدوخورد و بروز جنگ و خون‌ریزی در بین آن‌ها جلوگیری کند و نظم و آرامش اجتماعی به‌خصوص در این ایام مقدس از بین نرود (معتمدی ۱۳۷۸، ج. ۱: ۳۹۹).

حسینیهٔ میرزا شرف‌الدین قرب بازار پانخل (همان، ۶۷۵) و در ابتدای بازار سرپوشیدهٔ کاشان قرار داشت. معتمدی دربارهٔ این حسینیه نوشته است: «از بدو تأسیس تا زمانی که برای خیابان‌کشی و احداث خیابان باباافضل قسمتی از بازار خراب گردیده و حسینیه پانخل را از بازار جدا نموده است مهم‌ترین مرکز عزاداری و اجتماع دسته‌جات حسینی کاشان بوده» (همان، ۳۸۸ـ۳۸۹). معتمدی دو علت برای اینکه میرزا شرف‌الدین حسینیهٔ مذکور را در اینجا تأسیس کرد نوشته است: «اولاً به‌خاطر آن بوده که خود از علاقه‌مندان به حضرت اباعبدالله الحسین بوده [...] ثانیاً به‌خاطر آنکه از ایجاد اختلاف و زدوخوردی که سال‌ها بین دسته‌جات حسینی در بازار و موقع روبه‌رو گردیدن و سبقت گرفتن از همدیگر به‌عنوان حیدری و نعمتی[۳۲] به وجود می‌آمده و گاهی منجر به زدوخورد و قتل و خون‌ریزی می‌گردیده جلوگیری و چاره‌جویی نماید» (همان، ۳۸۹ـ۳۹۰).

بیضایی میرزا شرف‌الدین حسینی طباطبایی را قدیمی‌ترین مروج عزاداری در کاشان می‌داند که ابتکاراتی در این زمینه داشته است (بیضایی ۱۴۰۰، ۱۴۸). نراقی نیز او را تشکیل‌دهندهٔ دسته‌های عزاداری در ماه محرم در دورهٔ صفویه دانسته (نراقی ۱۳۴۵، ۱۰۶) و دربارهٔ او نوشته است: «چون همان ایام کوی و برزن شهر هم به دو بخش حیدری و نعمتی نام‌گذاری شد[۳۳] مقرر گردید که تکیه پا نخل در ابتدای بازار و کوی بابا شرف که محل حفاظت و نگاهداری طوق و علم و نخل علامت‌های عزاداری بود انتهای خط سیر عزاداران هر دو بخش حیدری و نعمتی بوده باشد و از آنجا تجاوز به حدود یکدیگر نکنند» (همان، ۱۰۷).

میر تقی‌الدین کاشانی که هم‌عصر میرزا شرف‌الدین بود در تذکرهٔ *خلاصة الاشعار و زبدة الافکار* اطلاعاتی دربارهٔ میرزا شرف می‌دهد. این اطلاعات با صحبت‌های بیضایی، نراقی و معتمدی هم‌خوانی دارد. تقی‌الدین دربارهٔ او نوشته است که میرزا شرف‌الدین[۳۴] از سادات والامقام کاشان در زمان خود بود؛ شاه‌طهماسب بیشتر از سادات دیگرِ آن زمان به

او توجه می‌کرد؛ مردم و صاحب‌منصبان این منطقه در مسائل به او مراجعه می‌کردند و طبق نظر او عمل می‌کردند و او آثار زیادی در کاشان داشت (میر تقی‌الدین کاشانی ۱۳۹۳، ۱۹۱_۱۹۲).

تقی‌الدین از یکی از هم‌صحبتان میرزا شرف‌الدین نقل کرده است[۳۵] که او هر سال در ایام محرم به‌نوعی تجدید مراسم عزای امام حسین(ع) می‌کرد و روضه‌خوانان و مرثیه‌گویان را روزها به روضه خواندن و شب‌ها به مرثیه و ذکر گفتن و ماتم داشتن مأمور می‌کرد. در ادامه قاعده‌ای را که در کاشان مانده و شیعیان به آن قیام می‌کنند، از آثار او می‌داند و اشاره می‌کند که از آن روش قانونی در این شهر مانده که مؤمنان به آن اقتدا می‌کنند (همان، ۱۹۲_۱۹۳). بااینکه نامی از حسینیهٔ پانخل نیامده است،[۳۶] این متن تأیید می‌کند که میرزا شرف‌الدین نه‌تنها مراسم محرم را طبق قاعدهٔ خود برگزار می‌کرد، بلکه پس از او مردم از همان قاعده پیروی می‌کردند و روش او حتی فراتر رفت و به قانونی تبدیل شد که مردم به آن اقتدا می‌کردند. تقی‌الدین در این قسمت صحبتی از جنگ‌های حیدری و نعمتی نیز نکرده است؛ اما این دودستگی در دورهٔ صفویه نه‌تنها در عزاداری بلکه در تفریحات مردم کاشان هم دیده می‌شد. فیگوئروا یک نمونهٔ مفصل از این درگیری‌ها در کاشان دورهٔ صفویه را توصیف کرده است (فیگوئروا ۱۳۶۳، ۲۴۱_۲۴۳).

منبع اصلی معتمدی مصاحبه‌هایش با بزرگان هیئت‌های کاشان بود که در دورهٔ قاجاریه و پهلوی زندگی کرده‌اند. نوشته‌های بیضایی (متولد ۱۲۸۴ش) و نراقی (متولد ۱۲۷۳ش) سخنان معتمدی را تأیید می‌کند. شواهد بررسی‌شده در منابع دورهٔ صفویه نیز با صحبت‌های این سه نویسنده هم‌سوست. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که از دورهٔ صفویه، در شهر کاشان نوعی دودستگی وجود داشت و در همین دوره میرزا شرف‌الدین روشی مشخص برای برگزاری مراسم عزاداری تعیین کرد. این روش پس از او نیز استمرار یافت و اهالی کاشان برای برگزاری عزاداری‌ها، همچنان از همان قوانین و دستورالعمل‌ها پیروی می‌کردند. در دورهٔ قاجاریه قوانینی منسوب به میرزا شرف‌الدین میان مردم وجود داشت که برای حفظ نظم و جلوگیری از ایجاد درگیری طبق آن عمل می‌کردند.

در ادامه با بررسی منابع مربوط به دورهٔ قاجاریه مشخص می‌شود که در این دوره قوانین منسوب به میرزا شرف‌الدین تا چه حد می‌توانست از منازعات و درگیری‌ها جلوگیری کند. در اسناد این دوره نامه‌هایی وجود دارد که از تهران و ازطرف یک مقام بالادست به مسئولان تأمین نظم در کاشان نوشته شده است. این نامه‌ها نگرانی دربارهٔ درگیری‌ها در کاشان را به‌خوبی نشان می‌دهد؛ مانند این نامهٔ نایب‌السلطنه به اعتضادالدوله: «طهران بکاشان جناب اعتضادالدوله در جمیع ولایات معمول است در روز عاشورا از محلات دسته‌جات حرکت کرده بغالب تکایا و مجالس تعزیه میروند بواسطه اختلافات حیدری و نعمتی که در غالب ولایات معمول است مفاسد و فتنه‌ها برخاسته جنگ و نزاع میشود برحسب امر قدر قدر همایون روحنا فداه مقرر است در روز عاشورا در جمیع محلات قم و کاشان آدم کافی کاردان مواظب نموده کمال مراقبت را بنمایند که فتنه و فساد و نزاعی بظهور نرسد و هرگاه غفلت شود و نزاعی بهمرسد بطور سخت مورد مواخذه ملوکانه خواهید بود نایب‌السلطنه امیرکبیر ۸ محرم» (نایب‌السلطنه، ۴۳).

طبق این نامه حرکت دسته‌جات در روز عاشورا معمول بوده است و در همین مراسم اختلافات حیدری و نعمتی باعث درگیری می‌شد. در نامه دستور به مأمور کردن تعداد کافی آدم ماهر در این زمینه داده‌اند. در پاسخ نامه آمده است که از ابتدای دههٔ عاشورا در تکیه‌ها و محلات آدم باکفایت گذاشته‌اند و بدون شرارت ایام عاشورا گذشت. در دستور دیگری از تهران به کاشان آمده است: «بتاریخ شهر محرم‌الحرام توشقان ئیل سنه ۱۲۹۶ جناب اعتضادالدوله بموجب امر قدر قدر اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه امر و مقرر است که فردا روز عاشوراست و دسته‌جات مختلف از هر محله و هر طایفه برسم معمول حرکت خواهند نمود باید کمال مواظبت و دقت را مرعی و منظور دارند که بهیچوجه من الوجوه فردا حرکتی که مخالف و منافی نظم باشد از احدی سر نزند و در تکایا و محلات و مجالس روضه و تعزیه مستحفظین متعدد بگمارد و بلکه برای انتظام کلیه غدغن سخت و بلیغ کنید که دسته بمحله دیگر نرود و در همان محله خود مشغول سینه زدن بوده درهرصورت اگر ذره [ای] در مراقبت و اهتمام کوتاهی شود و یا بی‌نظمی حادث گردد مسلماً مسئول و مورد مؤاخذه خواهید بود نایب‌السلطنه ۹ محرم» (نایب‌السلطنه ۱۲۹۶ق، ۲).

طبق این سند رسم معمول این بود که در روز عاشورا دسته‌جات مختلف از هر محله و هر طایفه حرکت کنند. از متن

برمی‌آید که قبلاً دسته‌ها از محل خود به محله‌ای دیگر رفته بودند و این حرکت باعث بی‌نظمی شده بود. برای حفظ نظم در آن سال تصمیم گرفتند حرکت دسته‌ها بین محلات را ممنوع کنند و محافظان زیادی در مکان‌های مربوط به عزاداری، تکایا و محلات و مجالس روضه و تعزیه بگذارند. همچنین تلگرافی مربوط به ۱۲ محرم سال ۱۳۰۴ق در جواب تلگرافی که احتمالاً ابراز نگرانی دربارهٔ عزاداری عاشورا می‌کرده آمده است؛ و خبر می‌دهد که مراسم ایام عاشورا در کاشان برگزار شده و کسی قدرت شرارت نداشته است (دستخط شاه، تلگراف‌های مقامات حکومت، تجار و رعایا از کرمان، اصفهان و کاشان به امین‌السلطان و سایرین، ۱۳۸). این سندها نشان می‌دهد که موضوع بی‌نظمی هنگام حرکت دسته‌ها در عزاداری‌های دورهٔ قاجاریه نیز مطرح بود و قوانین میرزا شرف‌الدین برای برقراری نظم کافی نبود و برقراری نظم در عزاداری‌های کاشان آن‌قدر مهم بود که از قبل برای آن از تهران دستور می‌آمد.

فرخ‌خان امین‌الدوله نیز در جریان این درگیری‌ها بوده است. در یک نامه که شاهزاده اسمعیل‌میرزا از کاشان به فرخ‌خان امین‌الدوله نوشته است، دربارهٔ زدوخورد بین دسته‌های عزاداری نوشته و توضیح داده که پنج نفر زخمی و دو نفر قریب به موت هستند؛ جریان را مفصل توضیح داده است و از فرخ‌خان خواسته که رسیدگی کند (اصفهانیان، غفاری، و عمران ۱۳۸۵، ج. ۵: ۲۵۷ـ۲۵۸). محمدعلی غفاری دربارهٔ واقعه‌ای در عزاداریِ سال ۱۲۸۰ق که خود مسئول رسیدگی به آن بود نوشته است: «درین سال در روز عاشورا، الواط و اوباش کاشان شورش نموده در وسط ملأعام در تعزیه جناب سیدالشهدا علیه آلاف التحیة والثنأ، دختر باکره سیده را کشیدند و بکارتش را گرفتند. به این اکتفا ننموده و انواع فساد و هرزگی را ظاهر ساختند به حدی که شهر به‌کلی مغشوش و هرج‌ومرج گشت. تمام رعایا به خاک پای حضرت اقدس همایونی عرض تظلم نمودند و شکایت از بی‌کفایتی حاکم کردند. فرمان جهانمطاع که سواد آن از قرار تفصیل ذیل است، به مأموریت مؤلف صادر گشت» (غفاری ۱۳۶۱، ۱۹).

پس از رسیدگی به این مشکلات فرخ‌خان در متنی برای تشکر از محمدعلی غفاری نوشته است: «از گرفتن و بستن و به حبس حکومت سپردن الواط، بخصوص گرفتاری سید ببر و نبستن و گشودن هفت شبانروز دکاکین و کاروان‌سراها روی مرا نزد اعلیحضرت اقدس همایونی روحنا فداه سفید نمودی روی آن فرزند در دو دنیا سفید باشد» (همان، ۲۱). در این متن نیز فعالیت فرخ‌خان و نزدیکانش در رسیدگی به نظم عزاداری‌ها و وابستگی آبرو و روسفیدی فرخ‌خان به این امور مشخص است.[۳۷] همان‌طور که پیش‌تر بررسی شد او به مسائل مربوط به عزاداری و حل اختلافات در کاشان رسیدگی می‌کرد. علاوه‌بر این در سفرنامهٔ فرخ‌خان اهمیت عزاداری نزد شخص او مشخص است. فرخ‌خان در نامه‌هایی که هنگام سفر به افراد مختلف نوشته است مفصل توضیح داده که چقدر تلاش کرده «دههٔ عاشورا در خاک دولت علیه بانجام برسد» (سرابی ۱۳۴۴، ۲۵).[۳۸] او حتی در شب عاشورا دستور داد لوازم روضه‌خوانی و تعزیه‌داری آماده کنند و در روز عاشورا کوچ کردن را خلاف می‌دانست (همان، ۳۰).

بازار کاشان مسیرِ اصلی در عزاداری دورهٔ قاجاریه بود. دسته‌هایی در مسیر عزاداری خود به حسینیهٔ پانخل (معتمدی ۱۳۷۸، ج. ۱: ۲۲۰، ۳۸۸، ۳۹۰، ۶۸۵، ۶۸۶ و ۶۸۸)، تیمچهٔ امین‌الدوله (همان، ۴۰۲)، مسجد میرعماد (همان، ۲۲۰)، دروازه دولت (همان، ۲۲۰ و ۶۸۸) و زیارت حبیب بن موسی (همان، ۱۴۶، ۱۷۵، ۲۲۰، ۳۹۰، ۶۳۴ و ۶۸۶) می‌رفتند. به نظر می‌رسد این‌ها مکان‌های مهمی برای عزاداری در مسیر بازار بودند (تصویر ۲۹). در دورهٔ پهلوی احداث خیابان باباافضل باعث جدا شدن حسینیهٔ پانخل از بازار شد و امروزه تیمچهٔ امین‌الدوله مهم‌ترین مرکز عزاداری کاشان شده است که همهٔ دسته‌ها وارد آن می‌شوند (همان، ۳۹۰ـ۳۹۱) و نقشی را که حسینیهٔ پانخل در عزاداری‌های دورهٔ قاجاریه ایفا می‌کرد، تیمچهٔ امین‌الدوله ایفا می‌کند. بر این اساس، این سؤال پیش می‌آید که این تیمچه از زمان احداث چه خصوصیاتی داشته است که بعدها توانسته است جایگزین حسینیهٔ پانخل شود.

در دورهٔ قاجاریه اگرچه تیمچهٔ امین‌الدوله نقش امروزی خود را نداشت، در آن مراسم عزاداری برگزار می‌شد و محلِ مراسم شبیه‌خوانی هیئت ابوالفضلِ پانخل بود. معتمدی دراین‌باره نوشته است: «هیئت ابوالفضل پانخل کاشان قبلاً تا زمانی که به دستور پهلوی اول عزاداری را منع نمودند و بسیاری از سنت‌ها و مراسم گذشته به دنبال آن متروک گردید همه‌ساله در روز نهم ماه محرم (تاسوعا) که مهم‌ترین روز عزاداری هیئت و حرکتش به بازار است علاوه‌بر اینکه

چند دستهٔ سینه‌زنی و سقائی و جمعیت بسیاری به همراه داشته و به بازار می‌برده مراسم شبیه‌خوانی جالب‌توجهی نیز از وقایع کربلا مانند گهوارهٔ حضرت علی‌اصغر و روی دست گرفتن قنداقهٔ طفل شیرخوار و آمدن ذوالجناح به قتلگاه و بوییدن بدن بی‌سر امام حسین و شیهه کشیدن و شیون زدن و هجوم اعدا برای غارت کردن و آتش زدن خیام امام حسین و ضرب‌وجرح اطفال سیدالشهدا و شیر و فضه و نهر علقمه و آب فرات تشبیهی همه را به همراه می‌برده و در مسیر عزاداری به نمایش می‌گذارده و مردم را مجذوب و منقلب می‌نموده است و در عقب همهٔ آن‌ها نخل حسینیه پانخل بوده که عده زیادی با سروپای برهنه و خاک عزا بر سر ریزان با شور و غوغای زایدالوصفی در اطراف و دنبال آن بر سروسینه‌زنان و حسین‌حسین‌گویان حرکت می‌کرده‌اند و در سرای امین‌الدوله در خاتمهٔ سینه‌زنی و نوحه‌خوانی‌شان دست‌های جداشدهٔ تشبیهی حضرت عباس را روی دست بلند می‌نموده و به مردم نشان می‌داده‌اند که از دیدن آن‌ها شور و هیجانی از حزن بین بینندگان به وجود می‌آمده و آن‌قدر بر سر و سینه می‌زده و اباالفضل اباالفضل می‌گفته‌اند که عده‌ای از آن‌ها غش می‌نموده و بر زمین می‌افتاده‌اند» (همان، ۴۰۱ـ۴۰۲).

همان‌طور که در متن مشخص است، این هیئت مراسم شبیه‌خوانی که نمودی هنری از مراسم عزاداری مردم کاشان بود را مفصل برگزار می‌کرد. به‌این‌ترتیب، این فضای تجاری به یک صحنه تبدیل شد. صحنه‌ای که نه‌تنها برای عزاداری بلکه برای یک نمایش مرتبط با عزاداری یعنی شبیه‌خوانی بود. چنین هیئتی به راسته‌های بزرگ‌تری نیاز داشت تا نمادهای ماه محرم را به‌خوبی در مسیر عزاداری به نمایش بگذارد. همچنین به فضایی بزرگ نیاز داشت که بتوان در آن نمادهایی مانند دست‌های جداشدهٔ تشبیهی حضرت عباس را نمایش داد و تماشاچیان نیز جای کافی برای تماشا و سوگواری داشته باشند. تیمچهٔ امین‌الدوله و راسته‌های اطراف آن به‌خوبی چنین امکاناتی را فراهم می‌کرد.



تصویر ۲۹: بعضی از مکان‌های مهم عزاداری در مسیر بازار: ۱. پانخل؛ ۲. تیمچهٔ امین‌الدوله؛ ۳. مسجد میرعماد؛ ۴. دروازه دولت؛ ۵. زیارت حبیب بن موسی (تصویر پس‌زمینه از بیرشک ۱۳۷۴)

حسینیهٔ پانخل و دروازه دولت، در دو انتهای بازار، محل ورود منظم دسته‌ها به بازار بودند. همان‌طور که از تصویر ۲۹ برمی‌آید، تیمچهٔ امین‌الدوله تقریباً در وسط راهِ دسته‌ها هنگامی که از پانخل تا مسجد میرعماد و دروازه دولت می‌رفتند قرار داشت. اگر یک محدوده در میانِ این مسیر طولانی نظمی به حرکت دسته‌ها می‌داد، می‌توانست به جلوگیری از درگیری‌ها کمک کند. چهار راستهٔ بازار قیصریه و راسته‌هایی که دورتادورش قرار دارند علاوه‌بر موقعیت مناسبی که در بازار دارند، به‌خاطر شکل راسته‌ها امکانی برای نظم دادن به دسته‌ها فراهم می‌کنند که در جای دیگری از بازار کاشان نمی‌تواند تأمین شود. از میان راسته‌های دورتادور قیصریه، راسته‌های بازار میان‌چال و بازار بزازها همان‌طور که پیش‌تر بررسی شد از بقیه بزرگ‌تر است. این دو راسته در چهارسوی تیمچهٔ امین‌الدوله به هم می‌رسند.

تیمچهٔ امین‌الدوله ویژگی‌های منحصربه‌فردی برای برگزاری مراسم عزاداری و نظم دادن به آن دارد؛ سرپوشیده است و آسایش در برابر سرما، گرما و بارش دارد؛ باشکوه و بزرگ است و جای کافی برای هیئت‌ها دارد؛ تنها محل در بازار کاشان است که یک ورودی آن به چهارسوی مهمی در بازار باز می‌شود و ورودی دیگر آن به دو راسته که مسیرشان بر یکدیگر عمود است باز می‌شود. هرکدام از این دو راسته به راسته‌هایی عمود بر خود ختم می‌شود. وجود این راسته‌های موازی و متقاطع فرصتی برای نظم دادن به مراسم عزاداری فراهم می‌کند. همان‌طور که از تصویر ۳۰ برمی‌آید، با چنین راسته‌هایی در اطراف، حتی اگر چند هیئت باهم به محدوده برسند کنار هم قرار نخواهند گرفت؛ زیرا می‌توان هر هیئت را هدایت کرد که به یک راستهٔ خالی برسد، در همان راسته منتظر بماند تا هیئتی که داخل تیمچه هست بیرون بیاید و به یک راستهٔ خالی دیگر برود یا اعضایش متفرق شوند سپس هیئت‌های منتظر به‌نوبت وارد تیمچه شوند. بنابراین هنگام برگزاری عزاداری در این محدوده محافظان کاردان می‌توانستند ضمن جلوگیری از تقابل مستقیم دسته‌ها، مسیرهایی را برای دسترسی خود و برقراری نظم باز نگه دارند.



تصویر ۳۰: امکانات راسته‌های محدوده برای نظم دادن به دسته‌های عزاداری: خط‌های آبی‌رنگ (راسته‌هایی که هم‌زمان چند هیئت می‌توانند در آن‌ها منتظر نوبتشان باشند بدون این‌که مسیر حرکت در بازار بسته شود)

مزیت دیگر تیمچهٔ امین‌الدوله بی‌طرفی آن در عزاداری بود. مدرسهٔ میان‌چال و دیگر فضاهای مذهبی هیئت‌های خودشان را داشتند؛ اما تیمچهٔ امین‌الدوله یک فضای تجاری بود که هیئت یا نهاد آیینی و مذهبی دیگری به آن وابسته نبود. از این مهم‌تر، بانی آن یعنی فرخ‌خان امین‌الدوله مانند میرزا شرف‌الدین فردی سرشناس بود که توجه شاه زمان خودش را جلب کرده بود، میان مردم کاشان اعتبار داشت، زمانی که زنده بود مردم این منطقه با او در ارتباط بودند، به بعضی از امور شهر ازجمله مسائل مربوط به مراسم عزاداری رسیدگی می‌کرد و آثار زیادی در کاشان داشت. به احتمال زیاد چنین عواملی باعث شد تیمچهٔ امین‌الدوله که از دورهٔ قاجاریه مکانی مناسب برای برگزاری مراسم عزاداری بود جایگزین مناسبی برای حسینیهٔ میرزا شرف‌الدین شود.

نتیجه

بازار قیصریه و دولت‌خانه از آثاری است که آقا خضر نهاوندی، وزیر کاشان در دورهٔ شاه‌عباس اول، با حمایت شاه‌عباس یا با اموال خود در منطقهٔ کاشان ساخت. با وجود بناهای شاخص در محدودهٔ قیصریه، این محدوده در آن زمان در مقایسه با مجموعه‌هایی مانند میدان میرعماد و دولت‌خانه جایگاه چشمگیری نداشت. با آسیب‌های ناشی از زلزلهٔ سال ۱۱۹۲ق و گذشت زمان بازار قیصریهٔ آقا خضر که دیگر عظمت پیشین را نداشت، فراموش شد و تا انتهای دورهٔ قاجاریه فقط نامی از آن بر محدوده باقی ماند. بااین‌حال موقعیت محدودهٔ قیصریه در محل تلاقی دو شریان اصلی شهر کاشان همواره اهمیت داشت. به‌طوری‌که در دورهٔ قاجاریه نه‌تنها از اهمیت این موقعیت کاسته نشد، بلکه با پایتخت شدن تهران و مهم‌تر شدن دروازهٔ حاجی‌جمال اهمیت این مکان بیشتر شد. این محلِ تلاقی تقریباً در میانهٔ مسیر خطیِ بازار کاشان قرار دارد. این محدوده تنها قسمتی از بازار کاشان است که راسته‌هایش فقط یک محور را تشکیل نمی‌دهد و چهار راستهٔ بازار قیصریه و راسته‌های دورش مسیرهای متنوعی ایجاد می‌کند.

پس از زلزله، به دستور حاکم کاشان، بازار قیصریه و راسته‌های دیگری در محدودهٔ قیصریه تعمیر شد. تا نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه در شمال و غرب این محدوده، در مسیر دروازهٔ حاجی‌جمال، تاجرانی کاروان‌سرا، مسجد و بازارچه‌ای احداث کردند و ملا محمود نیز مدرسهٔ میان‌چال و بعضی دکان‌های اطرافش را تعمیر کرد و دکان‌ها را وقف مدرسه کرد. بنابراین در آغاز نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه بازار قیصریه و محدودهٔ شمال غربی آن ازنظر تجاری و مذهبی رونق داشت. در این زمان فرزندان و خانوادهٔ ملا محمود بیشتر شناخته شدند و مدرسهٔ میان‌چال روزبه‌روز شلوغ‌تر می‌شد؛ مردم از محله‌ها و بازارهای اطراف از آب‌انبار این مدرسه استفاده می‌کردند؛ هیئتی در آن مستقر بود و این مدرسه محل مهمی برای عزاداری بود. تولیت و امامت این مدرسه در دست اعضای همین خانواده باقی ماند و رسیدگی به بنای مدرسه و نگهداری و تعمیر آن ادامه داشت. بعضی از اعضای این خاندان در مراسم آیینی و سایر امور شهر کاشان فعال بودند و نزد مردم کاشان اعتبار داشتند.

ملا عبدالرسول مدنی از افراد فعال این خاندان بود که علاوه‌بر رسیدگی به مدرسهٔ میان‌چال دربارهٔ موضوعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نظر می‌داد و می‌نوشت و در جریان امور شهر بود. او در دورهٔ مشروطه رساله‌ای در حمایت از مشروطه منتشر کرد و حامی مشروطه بود. هنگام فعالیت نایبیان در انجمن‌های مخفی برای سرکوب آنان عضو بود و زمانی که سرکوب شدند نوشتن کتابش دربارهٔ شرارت‌های نایبیان را آغاز کرد. او به سیاست‌های تجاری زمان خود اعتراض داشت، دربارهٔ بیکاری مردم ابراز نگرانی می‌کرد، آن را حتی یکی از موجبات قوت نایبیان می‌دانست و روحانیان اطراف خود را به کارکردن دعوت می‌کرد. به‌این‌ترتیب مدرسهٔ میان‌چال ازنظر مذهبی، آیینی و حتی اجتماعی و خدماتی مرکزی مهم و پررفت‌وآمد در بازار بود.

به مرور زمان، تیمچه‌های ملک‌التجار، امین‌الدوله و برقی در محدودهٔ قیصریه ساخته شد. فرخ‌خان امین‌الدوله فردی از خاندان غفاری و سیاست‌مداری عالی‌رتبه بود که دغدغهٔ ترقی و آبادی مملکت و کاشان را داشت. او در مأموریتش به اروپا به‌دنبال راه‌هایی برای آباد کردن مملکت بود و تجارت، به‌خصوص تجارت بین‌المللی، را به‌منزلهٔ عامل مهمی برای این امر می‌شناخت. فرخ‌خان پیش از این مأموریت مدتی حاکم کاشان بود و چند سال پس از آن نیز به کاشان بازگشت.

او حتی در سال‌هایی که در تهران بود در جریان امور مربوط به کاشان قرار می‌گرفت و برای رفع مشکلات مردم و پیشرفت این شهر می‌کوشید. در کاشانِ آن زمان، نساجی و مسگری صنایع اصلی بودند؛ فرخ‌خان یک بازار به‌موازات بازار مسگرهای قدیم برای مسگران این شهر ساخت و در کنار بازار بزازها در محدودهٔ قیصریه تیمچهٔ امین‌الدوله را احداث کرد. بعدها بازار نوی مسگرها که در شمال شرقی کاشان بود تخریب شد؛ اما تیمچهٔ امین‌الدوله باقی ماند.

به‌این‌ترتیب در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه بناهای مجلل و جدید اطرافِ بازار قیصریه را فراگرفت و تجارت، به‌ویژه خریدوفروش منسوجات، در محدوده رونق گرفت. در آن زمان تیمچهٔ امین‌الدوله پر از مال‌التجاره‌های گران‌بها ازجمله پارچه‌های ابریشمی و مخمل‌های دستباف بود، عموماً تجار ثروتمند آنجا بودند، معاملات عمده‌ای در آن انجام می‌شد و به مرکز مهمی برای تجارت پارچه‌های کاشان تبدیل شده بود. این تیمچه دقیقاً مقابل مدرسهٔ میان‌چال ساخته شد. درهای این دو بنا در دو طرف راستهٔ بازار میان‌چال رو به یکدیگر باز می‌شد. اینکه درِ مدرسه دقیقاً روبه‌روی تیمچه بود و وجود مراکز تجاری دیگر در همین محدوده می‌تواند بر تسلط ملا عبدالرسول مدنی بر مسائل اقتصادی اثر گذاشته باشد و دغدغه‌ها و اطلاعات او در این زمینه را بیشتر کرده باشد. در آن زمان کاشان از شهری که پارچه صادر می‌کرد به شهری تبدیل شد که مادهٔ خام صادر و پارچه وارد می‌کرد. براثر این واردات گسترده، بسیاری از مردم بیکار شدند. ملا عبدالرسول که این تغییرات را به چشم می‌دید در نوشته‌های خود به‌خوبی آن‌ها را تحلیل کرده است.

مدرسهٔ میان‌چال و تیمچه‌های محدوده را دو راسته به هم وصل می‌کند. این راسته‌ها را عریض، بلند و در بیشتر بخش‌ها دوطبقه و هماهنگ با ورودی تیمچه‌ها ساخته‌اند. مهم‌تر از آن، جایی که این دو راسته به هم می‌رسد سه کتیبه از سال‌های ۹۶۹ق، ۱۲۸۵ق و ۱۳۱۵ق قرار دارد. وجود کتیبه‌ای که مربوط به محدود کردن فعالیت زنان فاحشه و شراب‌فروشان است نشان می‌دهد که این بخش از بازار در سال ۱۲۸۵ق مرکزیت عرفی و مدنی داشته است. محتوای دو کتیبهٔ دیگر تخفیف به نانواهای کاشان و تخفیف مالیاتی برای منطقهٔ کاشان است. در متن کتیبهٔ صفوی ذکر شده است کتیبه در محلی که منظور خواص و عوام باشد نصب شود. در دورهٔ صفویه، مسجد میرعماد و سردر آن محل نصب فرمان‌های شاهان و مکانی بود که کتیبه‌هایش در دید عموم مردم بودند. در سال ۹۶۹ق حتی بازار قیصریه هنوز ساخته نشده بود و این محدوده نمی‌توانست مهم‌تر از مسجد میرعماد باشد. مشخص است که در دورهٔ قاجاریه این راسته‌ها آن‌قدر مهم و پررفت‌وآمد شدند که به‌جای مسجد میرعماد این محدوده محل قرار دادن چنین فرمان‌هایی شده بود. چنین امری می‌تواند باعث انتقال کتیبهٔ شاه‌طهماسب به اینجا شده باشد.

اهمیت این محدوده در شهر کاشانِ به پررفت‌وآمد بودن و نصب کتیبه‌ها و مرکزیت عرفی و سیاسی نیز ختم نمی‌شد. بااینکه تیمچهٔ امین‌الدوله دقیقاً روبه‌روی یک مرکز مهم آیینی و مذهبی (مدرسهٔ میان‌چال) قرار داشت، این فضای تجاری آن‌قدر در کاشان پذیرفته شده بود که به مکانی مهم برای عزاداری و صحنه‌ای برای نمایش هنر شبیه‌خوانی مردم کاشان تبدیل شد؛ یعنی تجارت و هنر که در کاشان برای سده‌ها به هم آمیخته بودند در این دوره توانستند در محدودهٔ قیصریه جلوه‌گر شوند. با توجه به موقعیت و فضای تیمچه، ابعاد، تعداد و شکل راسته‌های اطراف آن و جایگاه فرخ‌خان امین‌الدوله در کاشان، این تیمچه به‌خوبی می‌توانست مکانی بی‌طرف برای عزاداری و نظم دادن به مراسم باشد.

به‌این‌ترتیب، در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه بازار قیصریه که زمانی بانی قدرتمندی داشت مانند خیلی از مجموعه‌های مهم کاشان رونق پیشین خود را از دست داده بود؛ اما با توجه به موقعیت قیصریه در شهر و بازار کاشان، بناهای مهمی در محدودهٔ بلافصل این بازار تعمیر و ساخته شد و به مرور زمان محدودهٔ قیصریه کارکردهای متعددی پیدا کرد که با زندگی مردم آن زمان گره خورده بود. بنابراین قیصریه دیگر مجموعه‌ای نبود که شاه، وزیر یا حاکم آن را آباد کرده باشد، بلکه این محدوده ضمن فعالیت اشخاص مختلف در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با یکدیگر تعریفی تازه یافت و یک مرکز جدید شهری در آن شکل گرفت.

پی‌نوشت‌ها

1. Neglia

۲. برای توضیحات بیشتر دربارهٔ مکان و سرگذشت بازار قیصریه تا انتهای دورهٔ قاجاریه، ر.ک: صفیان، جیحانی، و سادات ۱۴۰۴.

۳. منظور غیر از دروازه‌های محلهٔ پشت مشهد است. این محله قبلاً از شهر جدا بود و خودش دروازه‌های متعدد داشت (ر.ک: بیضایی ۱۴۰۰، ۱۱۷).

۴. در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ کاشان (تصویر ۲) شواهد مادی زیادی از کاشانِ دورهٔ قاجاریه دیده می‌شود؛ به‌طوری‌که حتی «نقشهٔ کاشان قدیم» (تصویر ۱) براساس همین عکس هوایی و مطالعات تکمیلی ثریا بیرشک ترسیم شده است. در تحقیق حاضر هنگام استفاده از «نقشهٔ کاشان قدیم»، این نقشه و عکس هوایی سال ۱۳۳۵ ازنظر موضوعات مهم برای روایتِ تحقیق، بررسی شده و با یکدیگر و سایر اطلاعات تکمیلی مقایسه شده است تا صحت آن‌ها از منظرهایی که برای روایت مهم است مشخص شود. ازاین‌رو در این قسمت هم از عکس هوایی هم از نقشه استفاده شده است تا خواننده نیز تا حدی بتواند این مقایسه را انجام دهد.

۵. برای توضیحات بیشتر، ر.ک: صفیان ۱۴۰۴، ۳۳ـ۳۹.

۶. این نقشه که در تصاویر بعد نیز از آن استفاده شده است براساس «نقشهٔ کلی بازار کاشان» (ادارهٔ میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری شهرستان کاشان) ترسیم شده و در آن بخش‌هایی که برای تحقیق حاضر اهمیت دارد بازبینی و بازترسیم شده است. این بازبینی طبق نتایج حاصل از بازدیدهای میدانی نگارندگان و مقایسه با نقشهٔ تیمچهٔ امین‌الدوله (حاجی‌قاسمی و دیگران ۱۳۸۳، ج. ۱۰، بخش دوم، ۶۹) و عکس هوایی سال ۱۳۳۵ش (سازمان نقشه‌برداری کشور) انجام شده است.

۷. منظور شکلِ شطرنجیِ مجموعهٔ این راسته‌هاست که باعث می‌شد مسیر دروازهٔ حاجی‌جمال از سه راه مختلف به بازارهای مهم برسد: راه اول از ورودی کاروان‌سرای ملک گذشته و به راستهٔ بالابازار می‌رود، راه دوم به بازار قیصریه می‌رسد و راه سوم با گذشتن از ورودی مدرسهٔ میان‌چال به بازار میان‌چال می‌رسد. چنین شکلی می‌تواند از بسته شدن راه در زمان‌های شلوغی جلوگیری کند.

۸. ضرابی برای توضیح محل‌هایی که قنات میرباقر مشروبشان می‌کند نامشان را به‌ترتیب آورده و نام «کوچهٔ تبریزی‌ها و مسجد حاجی [ملا] محمدحسین» را کنار هم آورده است (ضرابی ۱۳۵۶، ۹۷).

۹. در پروندهٔ ثبتی به حسینیه‌ای روبه‌روی ورودی اشاره شده که امروزه کارکردش تغییر کرده است: «مجموعهٔ آن [(مسجد تبریزی‌ها)] شامل جلوخان و بازارچه و حسینیهٔ روبه‌روی ورودی و ورودی و هشتی و حیاط و دو شبستان فوقانی و تحتانی است» (ابوالفضلی، ۵).

۱۰. ازجمله نراقی ۱۳۴۸، ۲۴۳؛ ابوالفضلی، ۵؛ و پروندهٔ ثبت کاروان‌سرای ملک (برقی) ۱۳۸۲، ۱۷.

۱۱. برای توضیحات بیشتر، ر.ک: صفیان، جیحانی، و سادات ۱۴۰۴.

۱۲. این آب‌انبار میان محلهٔ تمغاچی‌ها و محلهٔ پنچه شاه است پس منظور همین دو محله است.

۱۳. این متن را سال ۱۳۳۷ق نوشته‌اند (مدنی کاشانی ۱۴۰۰، ۱۴۳).

۱۴. متولد ۱۲۷۹ق (مدنی کاشانی ۱۴۰۰، ۱۴۷)

۱۵. وی شاگرد و داماد ملا حبیب‌الله شریف کاشانی بود. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ تحصیل او، ر.ک: مدنی کاشانی ۱۴۰۰، ۱۴۸ـ۱۵۱.

۱۶. ۱۳۱۶ق (همان، ۱۴۶)

۱۷. ۱۳۳۷ق (همان، ۱۴۳)

۱۸. تولیت بعد از آقا خلیل‌الله به آقا رضا سپرده می‌شود و امروزه این مدرسه، هم به «مدرسهٔ میان‌چال» معروف است هم به «مدرسهٔ آیت‌الله‌العظمی حاج رضا مدنی».

۱۹. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ این توغ، ر.ک: مشهدی نوش‌آبادی و خداداد ۱۳۹۴، ۱۴۴.

۲۰. معروف است به تیمچهٔ حاجی محمدحسین ملک‌التجار (ضرابی ۱۳۵۶، ۴۲۶) و تیمچهٔ حاج محمدحسین بخشی (بیضایی ۱۴۰۰، ۱۲۱).

۲۱. معروف به تیمچهٔ حاج سید آقا؛ ر.ک: بیضایی ۱۴۰۰، ۱۲۲. دربارهٔ قدمت؛ ر.ک: پروندهٔ ثبت تیمچه برقی ۱۳۸۱.

۲۲. در عکسی که دیولافواها گرفته‌اند، فقط قسمتی از بالای تیمچه مشخص است؛ ر.ک:
Dieulafoy and Dieulafoy 1880-1894, Perse 1, 81.

۲۳. این راسته امروزه به بازار خیاط‌ها مشهور است. برای توضیحات بیشتر، ر.ک: صفیان، جیحانی، و سادات ۱۴۰۴.

۲۴. متولد ۱۸۱۴م، ۱۲۲۹/۳۰ق (سرابی ۱۳۴۴، ۲۲)

۲۵. یک نمونهٔ آن تمجید از موفقیت محمدعلی غفاری در گرفتار کردن اشرار است: «تمام علما و اعیان عریضه‌ای به خاک پای مبارک اعلیحضرت شهریاری و جناب امین‌الدوله از نظم ولایت و گرفتاری الواط و اشرار معروض داشتند» (ر.ک: غفاری ۱۳۶۱، ۲۱).

۲۶. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: سرابی ۱۳۴۴، ۲۷۰ـ۲۷۱.

۲۷. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: همان، ۲۶۷ـ۲۶۸.

۲۸. در شعبان ۱۳۳۲ق ماشاالله‌خان کاشی دستور می‌دهد تمامِ بازار کاشان را سفید کنند (مدنی ۱۳۷۸، ۸۶).

۲۹. فضلی بیگ خوزانی در شرح وقایع سال ۱۰۳۷ق ضمن توصیف عزاداری مردم کاشان برای مرگ شاه‌عباس اشاره می‌کند که در آن زمان اعمالی ازجمله ترتیب دادن تابوت و محفه و نخل و علم در ایام عاشورا مرسوم بوده است (خوزانی صفاهانی ۱۳۹۴، ج. ۳: ۹۷۶).

۳۰. او در قسمت‌های مختلف با دقت اشاره می‌کند که کدام نوع عزاداری را خود به چشم دیده و کدام اطلاعات را از اشخاص موثق شنیده است. جزئیاتی که دربارهٔ انواع عزاداری، حسینیه‌ها و محل‌های عزاداری و دسته‌های عزاداری نوشته است و شیوهٔ بیان کردنش نشان می‌دهد که در این مراسم شرکت می‌کرده و این مراسم را از نزدیک دیده است (ر.ک: بیضایی ۱۴۰۰، ۱۴۷ـ۱۵۳). او حتی می‌نویسد برای اینکه من را مروج کهنه‌پرستی نخوانند «ملزم به اختصار هستم، و الّا جای داشت که جزئیات عزاداری کاشان را نوشته، برای آیندگان بگذارم» (ر.ک: همان، ۱۵۰ـ۱۵۱).

۳۱. بیضایی سال ۱۳۱۵ش نوشتن این قسمت را شروع و سال ۱۳۳۰ش تمامش کرده است (ر.ک: بیضایی ۱۴۰۰، ۲۷).

۳۲. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ اختلاف حیدری و نعمتی در کاشان، ر.ک: نراقی ۱۳۴۵، ۱۰۳ـ۱۰۵.

۳۳. «نعمتی‌خانه طرف شرقی و حیدری‌خانه طرف غربی شهر بود» (همان، ۱۰۷).

۳۴. وفات ۹۶۵ق (ر.ک: میر تقی‌الدین کاشانی ۱۳۹۳، ۱۹۳).

۳۵. مصاحبه‌های تقی‌الدین برای نوشتن کتابش حدوداً بین سال‌های ۹۷۵ـ۱۰۱۶ق بوده است (ر.ک: میر تقی‌الدین کاشانی ۱۳۹۳، بیست و پنج).

۳۶. البته چنین شخص والامقامی که بناهایی در شهر احداث کرده و مراسم محرم را با این شکوه در شهر برگزار می‌کرده به‌احتمال خیلی زیاد، همان‌طور که معتمدی نوشته، جایی هم برای این مراسم احداث کرده است.

۳۷. تقریباً پنج سال بعد از این واقعه فرخ‌خان تیمچهٔ امین‌الدوله را احداث می‌کند. سیف‌الله امینیان در این زمینه نظری دارد که ریشهٔ آن دقیق مشخص نیست. او ضمن بیان این واقعه ذکر کرد که فرخ‌خان بعد از این و به‌سبب مشکلات این‌چنینی تیمچهٔ امین‌الدوله را احداث می‌کند تا به عزاداری‌ها نظم دهد و از درگیری جلوگیری کند (امینیان ۱۴۰۳). همان‌طور که بررسی شد شرح این واقعه در کتاب تاریخ غفاری آمده است؛ اما از این نیت فرخ‌خان برای احداث کاروان‌سرا منبع مکتوبی پیدا نشد.

۳۸. همچنین ر.ک: سرابی ۱۳۴۴، ۲۸.

منابع

ـ آزرمی، آذرمیدخت، دخی افشار، هاله باقی، مینا ساسان‌نژاد، و میترا وحدتی. ۱۳۶۴. *بررسی معماری بازار کاشان*. ج۱. ش سند ۱۸۲۱/۱. مرکز اسناد و تحقیقات دانشکدهٔ معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.

ـ ابوالفضلی. *پروندهٔ ثبت اثر در فهرست آثار ملی؛ مسجد تبریزی‌ها*. ش۹۷۲. ادارهٔ میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری شهرستان کاشان.

ـ اصفهانیان، محمد. آبان ۱۴۰۳. *گفت‌وگوی شخصی با یاسمن صفیان*. کاشان: حجرهٔ محمد اصفهانیان در تیمچهٔ امین‌الدوله.

ـ اصفهانیان، کریم، بهرام غفاری، و علی عمران. ۱۳۸۵. *اسناد تاریخی خاندان غفاری (سال‌های ۱۲۴۳ تا ۱۳۲۷ق)*. با همکاری علی عمران. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
ـ اصفهانیان، کریم، و قدرت‌الله روشنی (زعفرانلو). ۱۳۴۶. *مجموعهٔ اسناد و مدارک فرخ‌خان امین‌الدوله*. تهران: دانشگاه تهران.
ـ امینیان، سیف‌الله. آبان ۱۴۰۳. *گفت‌وگوی شخصی با یاسمن صفیان*. کاشان: اتاق بازرگانی کاشان.
ـ بیرشک، ثریا. ۱۳۷۴. *نقشهٔ کاشان قدیم*. مهندسان مشاور شهر و خانه.
ـ بیرشک، ثریا. ۱۳۸۵. چگونگی روند توسعه و تکامل شکل‌گیری شهر کاشان در بستر تاریخ؛ کتاب اول: از آغاز تا آخر دورهٔ سلجوقیان. مجموعه *مقالات کنگرهٔ تاریخ معماری و شهرسازی ایران*. کرمان، ارگ بم، ج۳، ۳۷۹–۳۹۹. تهران: رسانه‌پرداز.
ـ بیرشک، ثریا. ۱۳۹۹. *کاشان (روند شکل‌گیری و توسعهٔ شهر کاشان در بستر تاریخ)*. تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری.
ـ بیضایی، حسین پرتو. ۱۴۰۰. *کاشانهٔ دانش*. کاشان: ارمغان ادب.
ـ *پروندهٔ ثبت اثر در فهرست آثار ملی؛ تیمچه برقی*. ۱۳۸۱. دانشنامهٔ تاریخ معماری و شهرسازی ایران.https://iranarchpedia . ir/entry/21786 (دسترسی در تاریخ ۱۴۰۴/۷/۳).
ـ *پروندهٔ ثبت اثر در فهرست آثار ملی؛ کاروان‌سرای ملک (برقی)*. ۱۳۸۲. واحد دفتر فنی ادارهٔ میراث‌فرهنگی کاشان. ش۱۱۵۶۸. ادارهٔ میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری شهرستان کاشان.
ـ جیحانی، حمیدرضا، پریچهر شفیعی، سید جمال سید هاشمی، و علی عمرانی‌پور. ۱۳۹۹. مطالعهٔ جایگاه بازار در فرایند تغییر ساختار فضایی شهر کاشان. نشریهٔ علمی *معماری اقلیم گرم و خشک*، ش. ۱۱: ۷۷ـ۱۰۸.
ـ حاجی‌قاسمی، کامبیز و دیگران. ۱۳۸۳. *گنجنامه بناهای بازار*. بخش دوم. تهران: ستارهٔ سبز.
ـ خوزانی صفاهانی، فضلی بیگ. ۱۳۹۴. *افضل التواریخ*. ویرایش کیومرث قرقلو. انگلستان: کمبریج.
ـ دستخط شاه، تلگراف‌های مقامات حکومت، تجار و رعایا از کرمان، اصفهان و کاشان به امین‌السلطان و سایرین. سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی ایران. ش سند ۲۹۵/۷۹۱۶.
ـ دیولافوا، ژان. ۱۳۳۲. *سفرنامهٔ مادام دیولافوا*. ترجمهٔ همایون فره‌وشی. تهران: خیام.
ـ سادات، سید محمود. ۱۳۹۷. صحت‌سنجی گزارش‌های کتاب کلمات انجمن با اسناد آرشیوی در باب تاریخ کاشان در عصر قاجار. *کاشان‌شناسی*، ش. ۲۱: ۳ـ۳۰.
ـ سرابی، حسین بن عبدالله. ۱۳۴۴. *مخزن الوقایع؛ شرح مأموریت و مسافرت فرخ‌خان امین‌الدوله*. به کوشش کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی. تهران: دانشگاه تهران.
ـ صباحی بیدگلی، سلیمان. ۱۳۹۵. *دیوان صباحی بیدگلی*. ویرایش عبدالله مسعودی آرانی. تهران: اسوه.
ـ صفیان، یاسمن، حمیدرضا جیحانی، و سید محمود سادات. ۱۴۰۴. قیصریهٔ بازار کاشان؛ شناسایی و بررسی تحولات تا انتهای دورهٔ قاجاریه. *کاشان‌شناسی*، ش. ۳۵.
ـ صفیان، یاسمن. ۱۴۰۴. *قیصریهٔ بازار کاشان: بازتعریف محدوده و شکل‌گیری یک مرکز جدید شهری در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه*. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد مطالعات معماری ایران. استاد راهنما: حمیدرضا جیحانی. استاد مشاور: سید محمود سادات. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکدهٔ معماری و شهرسازی.
ـ ضرابی، عبدالرحیم. ۱۳۵۶. *تاریخ کاشان*. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
ـ عکس هوایی سال ۱۳۳۵ کاشان، سازمان نقشه‌برداری کشور.
ـ غفاری، محمدعلی. ۱۳۶۱. *خاطرات و اسناد محمدعلی غفاری؛ نایب اول پیشخدمت‌باشی (تاریخ غفاری)*. به کوشش منصوره *اتحادیه* (نظام‌مافی) و سیروس سعدوندیان. تهران: تاریخ ایران.
ـ فرهادی‌وند، آمنه، و حمیدرضا جیحانی. ۱۴۰۱. مطالعهٔ آسیب‌شناختی بازار پانخل کاشان. *اثر*، ش. ۹۷: ۴۰۱ـ۴۲۶.
ـ فیگوئروا، دن گارسیا د سیلوا. ۱۳۶۳. *سفرنامهٔ دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا؛ سفیر اسپانیا در دربار شاه‌عباس اول*. ترجمهٔ غلامرضا سمیعی. تهران: نو.
ـ مدنی کاشانی، ملا عبدالرسول. ۱۳۷۸. *تاریخ اشرار کاشان*. به اهتمام حسینعلی پورمدنی. کاشان: مرسل.

ـ مدنی کاشانی، ملا عبدالرسول. ۱۴۰۰. *کلمات انجمن*. به کوشش سید محمود سادات بیدگلی. تهران: شیرازهٔ کتاب ما.
ـ مشکی، اسماعیل. خرداد ۱۴۰۳. *گفت‌وگوی شخصی با یاسمن صفیان*. کاشان: دکان عتیقه‌فروشی اسماعیل مشکی در بازار میان‌چال.
ـ مشهدی نوش‌آبادی، محمد، و محمد خداداد. ۱۳۹۴. توغ‌های نفیس و تاریخی شهرستان‌های کاشان، آران و بیدگل و نطنز. *پژوهش‌نامهٔ کاشان*، ش. ۱۴: ۱۴۰ـ۱۸۲.
ـ مصالحه‌نامهٔ واگذاری قسمتی از سرای امین‌الدوله. ۱۳۴۱ق. سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی ایران. ش سند ۹۹۹/۳۰۰۴۰.
ـ معتمدی، سید حسین. ۱۳۷۸. *عزاداری سنتی شیعیان: در بیوت علما و حوزه‌های علمیه و کشورهای جهان: تحقیقی و تاریخی*. قم: عصر ظهور.
ـ میر تقی‌الدین کاشانی. ۱۳۹۳. *خلاصة الاشعار و زبدة الافکار (بخش کاشان)*. به کوشش عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی. تهران: سفیر اردهال.
ـ نایب‌السلطنه. تلگراف‌های شاه، مستوفی‌الممالک، نایب‌السلطنه، امین‌السلطان، سپهسالار، امین‌الملک، معتمدالملک، اعتضادالسلطنه به مقامات کشوری و لشکری قم، اصفهان، کاشان، بوشهر. سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی ایران. ش سند ۲۹۵/۷۶۸۳.
ـ نایب‌السلطنه. ۱۲۹۶ق. دستور اکید نایب‌السلطنه به اعتضادالدوله مبنی‌بر حفظ نظم در مجالس روضه و تعزیه و جلوگیری از حرکت دسته‌جات سینه‌زنی به محله‌های مختلف/ ۱۲۹۶ق/ تهران، کاشان. سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی ایران. ش سند ۲۹۵/۱۴۲۵.
ـ نراقی، حسن. ۱۳۴۵. *تاریخ اجتماعی کاشان*. تهران: دانشگاه تهران.
ـ نراقی، حسن. ۱۳۴۸. *آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز*. تهران: سازمان چاپ مشعل.
ـ نقشهٔ کلی بازار کاشان. ادارهٔ میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری شهرستان کاشان.
ـ نهاوندی، ملاعبدالباقی. ۱۹۲۴. *مآثر رحیمی*. به سعی و تصحیح محمد هدایت حسین. کلکته: مطبع بپتس مشن.
ـ وقف املاکی جهت بنای مسجد و خانقاه در کاشان. ۸۷۷ق. سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی ایران. ش سند ۹۹۷/۷۱.
- Dieulafoy, Jane. 1887. *La Perse*, *la Chaldée et la Susiane* : *relation de voyage*. Paris : Librairie Hachette et Cie.
- Dieulafoy, Jane, and Marcel Dieulafoy. 1880-1894. *Album Dieulafoy*. Perse 1. Cariatide, bibliothèque numérique de l’INHA, NUM 4 PHOT 018 (1). https://bibliotheque-numerique.inha.fr/idurl/1/62746 (accessed February 20, 2026).
- Neglia, Giulia Annalinda. 2018. Water Channels, Routes and Urban Landscape. Interpreting the Urban Fabric of the Traditional City of Kashan. In *Kashan*: *An Iranian City in Change*, 61-106. Berlin: EB-Verlag Dr. Brandt.

Redefinition of the Qaysariyyah Area in the Bazaar of Kashan and the Formation of a New Urban Center in the Second Half of the Qajar Period

Yasaman Safian
MA in Iranian Architectural Studies, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University

Hamidreza Jayhani
Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University

Seyed Mahmood Sadat Bidgoli
Associate Professor, Department of History of the Islamic Revolution, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute

The Qaysariyyah of Kashan was a magnificent bazaar built by the minister of Kashan during the reign of Shah Abbas I. Not much of the bazaar remained by the end of the Qajar period, but the name Qaysariyyah continued to be used to refer to an important area in the middle of the Kashan Bazaar. The aim of the current study was to examine the process via which the immediate surrounding area of the Qaysariyyah bazaar gained importance in the second half of the Qajar period and to come up with a new definition for this area in the city of Kashan. For this purpose, the study followed a historical approach upon searching for evidence in primary sources. Accordingly, the obtained data were analyzed and the findings were cross-compared. Subsequently, the characteristics and functions of the spaces within the area and the activities of individuals associated with them were examined to determine the position of these spaces in the city. The findings indicated that although the Qaysariyyah Bazaar of Kashan failed to represent the grandeur of the Qajar period, the location of its Charsou at the intersection of two main arteries of the city of Kashan raised the significance of its immediate surroundings on a daily basis. In the second half of the Qajar period, the Miyanchal Madrasa (seminary) was transformed into a religious, ritual, and social hub, administered by prominent clerics belonging to the same family. With the construction of three *timchehs* (small vaulted sections of the bazaar), the area was developed into an important commercial center, especially for the exchange of textiles. The madrasa and the timchehs opened onto the Miyanchal Bazaar and the Bazzazan Bazaar (the bazaar of textile retailers and wholesalers); therefore, these arcades were larger and more orderly than the others. As the junction of these two arcades was so crowded, three inscriptions containing royal decrees and government orders were mounted there for public view. The function of the Amin al-Dawla Timcheh was not limited to trade; this timcheh played the pivotal role of a ritual-organizing center, particularly for the Muharram rituals held and commended by the people of Kashan. Thus, Qaysariyyah may no longer be considered a complex developed by a single patron; rather, the interventions by individuals with different professions, ideas, goals, and experiences in this area to achieve their own aims and the crucial role of these interventions in the lives of the residents of Kashan have led to the redefinition of the Qaysariyyah area and the formation of a new urban center in that environment.

Keywords: Qaysariyyah, Urban Center, Bazaar of Kashan, Amin al-Dowleh Timcheh, Miyanchal Madrasa.

JIAS

Journal of Iranian Architecture Studies

University of Kashan
School of Architecture and Art

29

Vol. 29, Spring and Summer 2026
E-ISSN: 2676-5020

- **Historiography of the Architecture of Masjed-e Jāme' (Grand Mosque) of Amol and Its Relationship with the City in the Early Centuries after the Hijrah**
  Zatollah Nikzad
- **Redefinition of the Qaysariyyah Area in the Bazaar of Kashan and the Formation of a New Urban Center in the Second Half of the Qajar Period**
  Yasaman Safian, Hamidreza Jayhani, Seyed Mahmood Sadat Bidgoli
- **Assessing the Values of Rudkhan Castle as World Heritage from the Perspective of the ICOFORT Charter and the Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention**
  Aboozar Janalipoor, Pirouz Hanachi, Mohammad-Hassan Talebian
- **Enhancement of Lateral Stability Threshold of Barrel Vault Supported by Walls**
  Farzin Izadpanah
- **Evaluation of the Performance of Brick Lattice Screens in Controlling Solar Radiation and Daylight in the Hot and Semi-Arid Climate of Dezful**
  Kolsoom Kamkar, Kourosh Momeni, Akbar Mousaeijoo
- **From Royal Garden to Urban Square: The Emergence of the Mahjar and the Reconfiguration of the Iranian Cityscape in the Late Naseri Era**
  Kaveh Rashidzadeh, Golnar Hekmat
- **Classification and Algorithmic Analysis of Articulation Types in Historical Iranian Girih Patterns**
  Mahdi Azizi Hamedani, Mojtaba Sabetfard
- **Conceptual Dimensions and Characteristics of Abductive Reasoning in Design Practice**
  Ali Qoreishvandi Abraki, Ali Alai, Keivan Jourabchi, Saeid Norouzian Maleki
- **The Role of Spatial Configuration in Creating Sociability in Social-Scale Shopping Centers in Isfahan**
  Maryam Gorouhi, Narges Dehghan, Mansoureh Kianersi, Somayeh Rafiei
- **Pragmatic Evaluation: An Opportunity to Reform Policies and Practices in Targeted Areas (Concrete Case: National Regeneration Policy in Iran)**
  Morteza Hadi Jaberi Moghaddam, Shima Saghandali
- **From Eventification to Characterization of Memorial Museums**
  Faezeh Tafreshi, Manoochehr Moazzami, Nicholas Wise
- **The Effect of Removing Old-Growth Trees in the Architecture of Ilam's Streets on Pedestrian Thermal Comfort Changes Based on Computational Fluid Dynamics (CFD)**
  Karen Fatahi, Nasrin Siavash